

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
شهین ابروانی، علی اصغر جعفریان،
لیلی محمدحسین، منصور ملک عباسی و
فرزانه نوراللهی
مدیر داخلی: بهناز پورمحمد
ویراستار: جعفر ربانی
طراح گرافیک و جلد: مجید کاظمی
عکاسی جلد: اعظم لاریجانی
تصویرگر: سید میثم موسوی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيامنگار: moallem@roshdmag.ir
تلفن پيام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیرمسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۵
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱-۷۷۲۳۶۶۵۵-۶
شمارگان: ۲۹۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- یادداشت سردبیر / معلم، دانش یا منش؟ / محمدرضا حشمتی ۲
- چهل حکمت / سرچشمه معرفت / مهدی فیض، نوید خلعتبری ۳
- دنیای نوجوانی / دو گوش و یک دهان! / ریحانه ایزدی ۶
- نقش معلمان در مدارس دنیا / چندگانگی نقش معلم / نیره شاه محمدی ۱۰
- گفت و گو / عشق به کار / علی شادکام ۱۳
- تربیت بدنی در مدارس / زنگ نشاط / حمید دامرودی ۱۶
- روژه‌ای رو به دانایی / کشف گنجینه‌ها / سعیده اصلحی ۱۹
- سال جهانی نور / سال نور / آریتا سیدفدایی ۲۰
- یار دبستانی من / معلم چهار فصل / جوانا فوکس ترجمه مجید عمیق ۲۳
- کاریکاتور / معلمان ناجی / ابوالفضل محترمی ۲۴
- پنجره کلاس / پیامکی برای دلت / سعیده اصلحی ۲۶
- گزارش / تربیت معلم در ایران و جهان / محمد دشتی ۲۸
- تجربه‌های زیسته / تقلب / شکوفه راستگو ۳۲
- کلاس کارگاهی یعنی / سخنرانی کوتاه / لیلی محمدحسین ۳۴
- حقوق مدرسه‌ای / شورای مدرسه / احمد مختاریان ۳۶
- آب / مدرسه به مثابه اتاق فکر / سعیده باقری ۳۹
- معلمان بزرگ ایران / فرهنگی فداکار حسن صادقی / جعفر ربانی ۴۰
- آموزش / مدیریت هوش هیجانی در مدرسه / نغمه برزگر اسکندر کلایی ۴۲
- تجربه‌های زیسته / پازل معلمی / رقیه حسن‌نژاد ۴۴
- نتایج و برندگان جدول (مسابقه) ۴۶
- آموزش / موانع دستیابی / غلامرضا درگی ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بریک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی لوح فشرده یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شوند. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.





شروع ماه مهر برای معلمان همواره با شادی و نشاط همراه است. همان گونه که فروردین نویدبخش حیات مجدد طبیعت است مهرماه نیز یادآور شور و شغف و جوشش و کوشش معلمان و دانش آموزان است. مهم ترین ویژگی معلمان گذشت است و ایثار؛ گذشت و ایثاری که می تواند بهترین الگو برای دیگران باشد. معلمان برای اینکه گذشت کنند باید «داشته» ای داشته باشند و تابستان فرصتی است برای معلم تا بر داشته های خود بیفزاید و بیش از پیش به مسئولیتی که برعهده گرفته است عمل نماید. معلمان با انتخاب آگاهانه خود قدم در مسیری گذاشته اند به نام «دانایی» که پیامد آن توانایی و توانمند شدن برای بهتر زیستن، با هم زیستن و برای هم زیستن است. طبیعت کار و فعالیت معلمان همیشه در راستای تغییر است. روحیه معلمی و طبع معلمی تحول آفرین و زمینه ساز تحول و تغییر است. معلمان همیشه دنبال پیدا کردن یا خلق فضایی هستند که بتوانند آرمان های خود را محقق کنند. آن ها به افق ها و آرمان های بلند دل بسته اند و با انگیزه ای والا چهره زیبای زندگی را برای دانش آموزان خود زیباتر می کنند. معلمان نه فقط با دانش خود بلکه با منش خود، با لبخند دلنشین خود و با کلام آرام بخش خود واژه هایی را که بوی دانایی، امنیت و آرامش می دهند مهمان دل های پاک دانش آموزان می کنند و بر این میزبانی خود افتخار می کنند. مجله رشد معلم نیز همراهی است برای توسعه داشته ها و دانایی ها و تجارب زیسته شما معلمان. در همین راستا براساس تغییر کتاب های درسی سال پنجم ابتدایی و سال نهم متوسطه اول ویژه نامه ای تهیه شده است که تجارب زیسته معلمان را منعکس کرده است. شما با مراجعه به سایت www.roshdmag.ir می توانید از مطالب آن استفاده نمایید. چه زیاست که شما معلمان با تجربه از صفت ایثار خود سایر معلمان را نیز بهره مند سازید تا آن ها نیز بتوانند با یادگیری از شما تجارب جدید زندگی معلمی خود را تجربه کنند. در گفت و گوهایمان با معلمان و در دیدارهایی که با آن ها داشته ایم همیشه این نکته مطرح شده است که از تجربه های ناب و در صحنه عمل بیشتر می توان آموخت.

اکنون برای این منظور دست یاری به سوی شما دراز می کنیم تا سفره مجله رشد معلم را با تجارب پرارزش خود رنگین تر سازید تا بتوانیم پاسخگوی نیاز همکاران بوده و شاهد حضور بیشتر و پررنگ تر معلمان بر سر سفره دانایی، که با مشارکت شما آراسته می شود، باشیم. منتظر خاطرات و تجارب زیسته و دیدگاه های شما در زندگی معلمی هستیم.

سردبیر

سرچشمه معرفت

انسان شناسی قرآن مخلوق یا خلق الله

دکتر مهدی فیض
نوید خلعتبری

مقدمه

انسان شناسی، اختصاص به اندیشمندان و دانشگاهیان ندارد. هر کس که به عنوان انسان در این عالم حضور یافته است، بیش از هر چیز نیازمند خودشناسی، یا همان انسان شناسی است. اما در این میان برای دو گروه، بیش از سایر انسان ها، خودشناسی و انسان شناسی ضروری است؛ یکی اندیشمندان و صاحب نظران علوم انسانی و دیگر، کسانی که به نوعی با تعلیم و تربیت انسان ها سر و کار دارند؛ یعنی معلمان، مشاوران و مربیان. نکته دیگر اینکه مکتب های فلسفی و فکری متعددی درباره انسان اظهار نظر کرده اند که هر یک از ظن خود، انسان را توصیف نموده اند، ولی نباید فراموش کرد که هیچ کس بهتر از خداوند انسان را نمی شناسد و نمی شناساند. خالق هر موجود بهترین شرح کننده و معرف آن موجود است. اگر بخواهیم دستگاهی را بشناسیم، بهترین کسی که می تواند آن را برای ما معرفی کند سازنده آن دستگاه خواهد بود. متأسفانه بسیاری از شناخت هایی که با واقعیت انسان مطابقت ندارند، مبنای قضاوت و تصمیم گیری قرار می گیرند، و این یعنی ما از **سرچشمه معرفت** غافل شده ایم. ما باید منبعی قابل اعتماد پیدا کنیم تا خودمان و دیگران را درست بشناسیم و براساس آن قضاوت و تصمیم گیری درست کنیم. امام باقر علیه السلام در دعای روز یکشنبه می فرمایند:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي ... لَا أَعْتَمِدُ إِلَّا قَوْلَهُ
با نام خدایی که ... جز به سخن او به هیچ سخنی

اعتماد نمی کنم.

از این رو به جای هر مکتب دیگری، به سراغ مکتب اسلام و کتاب مرجع آن، یعنی قرآن کریم می رویم تا به انسان شناسی، از منظر قرآن بپردازیم.

قرآن کریم درباره کنار گذاشتن قرآن و به این سو و آن سو رفتن های برخی از آدمیان، در کمال تعجب می فرماید:

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶) إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷) لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸) (تکویر)

پس به کجا می روید؟! (۲۶) این قرآن جز تذکری برای جهانیان نیست، (۲۷) برای کسی از شما یان که بخواهد راه مستقیم در پیش گیرد! (۲۸)

قرآن می گوید ما کتابی در اختیار شما قرار داده ایم که در آن هر آنچه برایتان لازم است به زبان تذکر آمده است. (زبان تذکر، یعنی زبانی که به اندازه ای روشن است که شما به راحتی و بدون تکلف متوجه منظور آن می شوید.) خداوند فرماید: وقتی قرآن در اختیار شماست و

**شرط اول برای
توفیق در شناخت
انسان، این
است که انسان
متصل به خدا، که
حقیقت دارد،
شناخته شود و نه
مستقل از خداوند**



انسان را شفاف و روشن برای شما معرفی کرده است، به سراغ چه مکتبی می‌روید؟ حرف چه کسی را می‌پذیرید؟ و دنبال چه کسی می‌روید؟ این معرفی انسان و تفسیر او، برای معلم اهمیتی دو چندان دارد. زیرا همان گونه که امام خمینی (ره) فرمودند: «معلم امانتداری است که دانش آموز امانت اوست.» این امانت باید درست شناخته شود و درست تفسیر شود تا در مواجهه با او، در کلاس درس و خارج آن، درست قضاوت و تصمیم‌گیری کنیم. بنابراین نباید فراموش کرد که هر کسی به جز خالق انسان، بخواهد انسان را به خودش معرفی کند، معرفی او درست و دقیق نخواهد بود، حتی اگر نهایت تلاش را به خرج دهد.

جایگاه انسان‌شناسی در علوم انسانی

برای تبیین جایگاه انسان‌شناسی در علوم انسانی، از دو کلام نورانی حضرت علی علیه‌السلام بهره می‌گیریم:

معرفة النفس انفع المعارف؛

شناختن نفس، سودمندترین شناخت‌هاست.
لا تجهل نفسک فانّ الجاهل معرفه نفسه، جاهل بکل شیء.

نسبت به خودت جاهل مباش، چرا که جاهل به نفس خود، نسبت به همه چیز جاهل است.^۱ روایت اخیر، روایتی دقیق و شگفت‌انگیز است. نفس ما نزدیک‌ترین چیز به ماست. اگر ما نزدیک‌ترین چیز به خودمان را نشناسیم، پس چه چیزی را می‌خواهیم بشناسیم؟ هیچ چیز! بعضی این تصور را دارند که برای مثال، میمون‌شناسی از انسان‌شناسی آسان‌تر است. حضرت می‌گوید این راه به جواب نمی‌رسد. حیوان‌شناسی، سخت‌تر از انسان‌شناسی است. با همین تحلیل غلط است که برخی روان‌شناسان، برای شناخت انسان، سراغ آزمایش روی میمون‌ها می‌روند. مثلاً میمون مادر و فرزندش را روی سطح داغی می‌گذارند و گزارش می‌دهند که ابتدا مادر، فرزندش را در آغوش می‌گیرد، اما هنگامی که سطح زمین خیلی داغ می‌شود و اوضاع غیرقابل تحمل می‌گردد، مادر، فرزندش را زیر پا می‌گذارد. سپس این گونه تفسیر می‌کنند که در حیوانات عاطفه مادری تا حد معینی کارایی دارد و از آن به بعد، صیانت نفس بر عاطفه مادری غلبه می‌کند! این تفسیر رفتار میمون از دیدگاه ماست ولی از کجا معلوم که در درون میمون هم همین تجزیه و تحلیل‌ها اتفاق می‌افتد!

اینکه ما گمان می‌کنیم حیوانات را می‌توانیم بشناسیم، اشتباه بزرگی است. اگر قرآن از میزان فهم و سخن‌گویی مورچه‌ها و هدهد در جریان زندگی حضرت سلیمان (ع)، سخنی نگفته بود، ما از کجا می‌توانستیم به این موضوع پی ببریم که مورچه‌ها انسان‌های اطراف خود را می‌شناسند؟! آیا اگر قرآن مطرح نکرده بود، ما در خیال و ذهن خودمان هم می‌توانستیم تصور کنیم که مورچه‌ها انسان‌ها را می‌شناسند؟ اگر این موضوع را قرآن نگفته بود ما هیچ شناخت درستی از عالم حیوانات نداشتیم. بنابراین، شناخت ما از عالم حیوانات و دیگر موجودات بسیار محدودتر از شناخت عالم انسان است. اگر بخواهیم به وسیله شناخت حیوان انسان را بشناسیم، بی‌راهه‌ای است که به جواب نمی‌رسد. ما باید انسان را مستقیماً و بدون واسطه سایر موجودات بشناسیم و این شناخت مستقیم را باید از منبع اصلی که قرآن است به دست آوریم. پس از شناخت خودمان، راه برای شناخت سایر موجودات باز می‌شود و سایر موجودات، زیر سایه شناخت انسان شناخته می‌شوند.

بر این اساس، انسان‌شناسی اسلامی و قرآنی در علوم مختلف، به ویژه در علوم انسانی، باید زیربنا باشد. شناخت جامعه، اقتصاد و ... بدون شناخت انسان امکان‌پذیر نیست. مثلاً وظیفه علم اقتصاد، توصیف و تفسیر رفتار انسان‌ها در امور مالی است و این کار بدون شناخت انسان ممکن نیست. بر مبنای این روایت حتی می‌توان نتیجه گرفت که برای ورود به علوم طبیعی، نیز باید از راه انسان‌شناسی عبور کرد. به تعبیر علامه حسن زاده آملی، انسان جدولی [جویی] است که باید از آن عبور کرد و به بقیه علوم رسید و اگر از این جدول عبور نکنیم، به بقیه علوم نخواهیم رسید.^۲

سخن گذشته را در یک حکمت خلاصه می‌کنیم:

**حکمت اول: انسان‌شناسی، زیربنای
سایر علوم خصوصاً علوم انسانی
است و بدون انسان‌شناسی برآمده
از قرآن، سایر علوم، راه به جایی
نخواهند برد.**

روایت معروفی از پیامبر اکرم (ص) در این زمینه وجود دارد که به گونه‌های مختلف می‌توان آن را ترجمه کرد و شاید همگی آن‌ها هم در جای خود درست باشد: من عرف نفسه قد (فقد) عرف ربه.^۳ ترجمه اول: «هر کس خودش را شناخت، در حقیقت پروردگارش را شناخته است.» (یعنی ظاهراً خود را شناخته است اما بیش از اینکه خودش را بشناسد، پروردگار و سازنده خودش و

ما باید انسان را مستقیماً و بدون واسطه سایر موجودات بشناسیم و این شناخت مستقیم را باید از منبع اصلی که قرآن است به دست آوریم



* منابع

۱. الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۲۱۳
۲. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص: ۲۳۴
۳. مقدمه کتاب معرفت النفس.
۴. الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۲۱۲
۵. جامع الاخبار، ص ۴.

عوض خواهد شد: مهتابی نوعی لامپ الکتریکی است که انرژی الکتریکی را به انرژی نورانی تبدیل می‌کند و این کار از طریق برخورد الکترون‌ها با گاز مخصوص داخل یک لوله بلند انجام می‌شود. شما دو تعریف فوق را با هم مقایسه کنید تا روشن شود که کدام به حقیقت نزدیک‌تر است؟ اگر انسان متصل به خدا موضوع شناخت باشد، انسان‌شناسی ممکن خواهد بود و اگر انسان بریده از خدا موضوع شناخت باشد دیگر انسان‌شناسی نیست. قرآن کریم هشدار داده است که اگر خدا را کنار بگذارید در شناخت انسان ناتوان خواهید بود و راه به جایی نخواهید برد.

جالب است بدانیم که در قرآن کریم بارها تعبیر «خالق» آمده در حالی که حتی یک بار هم تعبیر «مخلوق» نیامده است! و به جای آن از تعبیر «خَلَقَ اللَّهُ» استفاده شده است. در واقع، خداوند می‌فرماید مَنْ خَالِقُكُمْ و عَالَمٌ «خَلَقَ اللَّهُ» است. این جهانی که شما می‌بینید خَلَقَ اللَّهُ است، نه مخلوق خدا؛ یعنی صفت خالقیت خداوند همواره جاری‌ست، و هستی هر موجودی پیوسته به خداوند متصل است، و همین ارتباط پیوسته موجب بقای موجودات است.

اکنون به انسان‌شناسی بازگردیم. ما می‌خواهیم نفس را بشناسیم تا ربّ را بشناسیم. چگونه نفس را بشناسیم؟ باید نفسی را بشناسیم که خَلَقَ اللَّهُ باشد نه مخلوق خدا. اگر نفس را مخلوق در نظر بگیریم نتیجه آن، «نَسُوا اللَّهَ» (فراموشی خدا) است و فایده‌ای ندارد. انسان متصل به خدا را باید شناخت که صفت آن، دیگر «مخلوق» نیست، بلکه خَلَقَ اللَّهُ است. اگر انسان با توجه به این اتصال، شناخته شود، انسان، به معنی واقعی آن شناخته می‌شود. بنابراین، شرط اول برای توفیق در شناخت انسان، این است که انسان متصل به خدا که حقیقت دارد شناخته شود و نه انسان مستقل از خداوند (خَلَقَ اللَّهُ و نه مخلوق خدا). خلاصه مطالب فوق در قالب یک حکمت چنین است:

حکمت دوم: انسان‌شناسی و خداشناسی چنان در هم آمیخته‌اند که یکی بدون دیگری ممکن نیست.

خواننده بزرگوار، چنانچه از عنوان این یادداشت روشن است، قصد داریم طی ۸ شماره، چهل حکمت از انسان‌شناسی قرآنی را به تدریج با شما در میان بگذاریم تا نگاهی دوباره به خود و شاگردانمان داشته باشیم. نگاهی که بی‌تردید قضاوت ما درباره شاگردان را تغییر خواهد داد و به تبع آن، رفتار ما با آن‌ها نیز تغییر خواهد کرد. پس ادامه حکمت‌ها را در شماره‌های آتی، به انتظار بنشینید.

عظمت و علم و قدرت و سایر صفات او را شناخته است.

ترجمه دوم: «هر کس خودش را شناخت آنگاه، قطعاً» پروردگارش را خواهد شناخت.»

ترجمه سوم: «هر کس خودش را شناخت، قبل از آن، پروردگارش را شناخته است.» یعنی اگر خودت را شناخته‌ای، قبل از آنکه خودت را بشناسی، از شناخت پروردگارت عبور کرده‌ای.

ترجمه چهارم: «هر کس خودش را بشناسد (که امری محال است و نمی‌تواند چنین کند)، آنگاه می‌تواند ادعا کند پروردگار خودش را شناخته است.» چرا که نزدیک‌ترین موضوع به ما، خود ما هستیم. انسان که از شناخت نزدیک‌ترین موضوع به خود ناتوان است، چگونه لاف خداشناسی می‌زند!

در روایت متفاوتی آمده است: أَعْرِفْكُمْ بِنَفْسِهِ، أَعْرِفْكُمْ بِرَبِّهِ

در این روایت درجه‌بندی وجود دارد. یعنی می‌گوید هر چه انسان در مراتب خودشناسی بالا رود، در مراتب رب‌شناسی بالا می‌رود، یا بالاتر رفته است. همچنین می‌توان گفت همان‌طور که شناسایی پروردگار انتها ندارد، شناخت خود هم انتها ندارد و هر دو تا بی‌نهایت ادامه دارند.

حال اگر این گزاره را در نظر بگیریم: «شناخت نفس (P) نتیجه می‌دهد شناخت رب (Q)»، از نظر منطق، هم‌ارز این گزاره، این است: «عدم شناخت رب (¬P) نتیجه می‌دهد عدم شناخت نفس (¬Q)».

$$(p \rightarrow q) \equiv (\sim p \rightarrow \sim q)$$

آیه زیر به این موضوع اشاره دارد: وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

و مانند کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم خود آنان را از یاد خودشان ببرد، ایشان همان فاسقان‌اند. (حشر: ۱۹)

کسی که خدا را کنار بگذارد خودش را هم نمی‌تواند بشناسد و خودش را گم کرده است و به بیراهه می‌رود. بدون در نظر گرفتن خداوند، انسان‌شناسی محال است. اگر بدون توجه به خدا، سراغ خودشناسی برویم، انسان را نمی‌توانیم بشناسیم.

شما تصور کنید بخواهید لامپ مهتابی را، فارغ از اتصال آن به برق شهر، توصیف کنید. در این صورت، آن را احتمالاً چنین معرفی می‌کنید: لامپ مهتابی، لوله‌ای است شیشه‌ای که درون آن دو فیلامان مارپیچی و گازی مخصوص قرار دارد و از آن، نور ساطع می‌شود. در حالی که اگر در تعریف شما اتصال مهتابی به برق شهر لحاظ شود، تعریف

دوگوش و یک دهان!

با ناتوانی نوجوانان در برقراری ارتباط با مربیان مدرسه و اولیا چگونه برخورد کنیم؟

ریحانه ایزدی

اگر شما هم یک نوجوان دختر یا پسر دارید یا معلمی هستید که با نوجوانان در ارتباطید حتماً به این موضوع پی برده‌اید که نوجوانان اغلب - به جز با دوستان خاص خود- ارتباط برقرار کنندگان خوبی نیستند، به‌ویژه با والدین خود و با دیگر بزرگسالانی که دوستشان دارند. آن‌ها اغلب احساس می‌کنند که با دوستانشان بهتر از پدر و مادر و دیگر بزرگسالان می‌توانند تعامل داشته باشند. از این رو اغلب تمایل دارند که مسائل آن‌ها در محدوده خودشان بماند و بزرگسالان از آن‌ها اطلاع حاصل نکنند.

ارتباط یک پدیده دوطرفه است؛ مخصوصاً ارتباط از نوع انسانی، که هر دو سو هم گیرنده‌اند و هم فرستنده. به همین دلیل است که همیشه در اختلال ارتباطی، پای دو طرف در میان است. لذا اگر شما هم با نوجوان دچار مشکل ارتباطی هستید لازم است اول ببینید گیرنده و فرستنده سمت خودتان به درستی کار می‌کند یا نه.

در این مطلب قصد داریم عواملی را که بازدارنده برقراری ارتباط مؤثر با نوجوانان هستند بررسی کنیم و پیشنهادهایی نیز برای ساختن یک ارتباط باز و مفید به شما بدهیم. ابتدا بیایید به ماهیت این ارتباط نگاهی بیندازیم.

دست در دست هم می‌دهند تا صحبت کردن با نوجوانان را به کاری دشوار تبدیل کنند.

به هر حال علی‌رغم این موانع طبیعی که در ارتباط نوجوانان با بزرگسالان موجود است موانع دیگری نیز وجود دارد که بزرگسالان اغلب بدون اینکه بدانند خودشان ایجاد می‌کنند، که در نتیجه نوجوان را از تلاش برای صحبت با آن‌ها دربارهٔ بسیاری از موضوعات باز می‌دارد یا دلسرد می‌کند.

حفظ رابطهٔ بزرگسال و نوجوان بسیار ضروری است و این ضرورت وقتی بیشتر به چشم می‌آید که بدانیم نوجوانان، علی‌رغم اظهار بی‌میلی به داشتن رابطه با بزرگسالان، به شدت به این رابطه نیاز دارند و قلباً دوست ندارند بزرگ‌ترها دست از کمک به آن‌ها بردارند. متخصصان بر این باورند که هم نوجوانان و هم بزرگسالان، نیاز دارند با هم ارتباط داشته باشند ولی به دلیل نداشتن آگاهی از عوامل سازنده/ بازدارندهٔ ارتباط، در تلاششان برای رسیدن به یک ارتباط مؤثر ناکام می‌شوند. پس قدم اول برای عبور از ناکامی و چشیدن طعم شیرین یک رابطهٔ سالم، شناختن عوامل بازدارنده یا سازندهٔ ارتباط است. بنا به اهمیت بازدارنده‌ها، نخست این عوامل را بررسی می‌کنیم.

بسیاری از پدر و مادرها یا معلمان، از اینکه فرزند نوجوان‌شان با آن‌ها حرف نمی‌زند و آن‌ها را به دنیای خودش راه نمی‌دهد، احساس ناکامی و اندوه می‌کنند. برای این مشکل علل و عوامل زیادی وجود دارد که بسیاری از آن‌ها طبیعی و جزئی از فرایند رشد است و لذا بزرگسالان تسلط کمی بر آن دارند. اول از همه، نوجوان نیاز به ایجاد فاصله‌ای بین خود و دیگران، به خصوص والدین خود، دارد. این اتفاق کاملاً طبیعی و بخشی از فرایند ایجاد هویت بزرگسالی در نوجوان است. ثانیاً نوجوانان به خصوص پسران اغلب برای پردازش کردن و به زبان آوردن آنچه برایشان رخ می‌دهد مشکل دارند، بنابراین ارتباط کلامی‌شان با دیگران خوب نیست. ثالثاً موضوعاتی وجود دارد که هیچ نوجوانی نمی‌خواهد درباره آن‌ها با بزرگسالان علی‌الخصوص والدینش صحبت کند.

هر نوجوانی ممکن است نظرات، ارزش‌ها و باورهایی داشته باشد که با بزرگسالان بسیار متفاوت است و این بخشی از فرایند طبیعی حرکت او به سمت استقلال است. همین‌طور که نوجوان بزرگ‌تر می‌شود، برای کسب مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی‌اش مبارزه می‌کند. بدیهی است که این امر موجب بروز تعارضات با بزرگسالان خواهد شد. همهٔ این عوامل (به علاوهٔ عوامل دیگر که ریشهٔ فیزیولوژیک دارند)

نصیحت کردن

معمول‌ترین شیوهٔ بی‌اعتبار کردن احساسات، تلاش برای روبه‌راه کردن شرایط و شروع کردن به ارائهٔ توصیه و راه‌حل بدون ایجاد زمینه و تمهید مقدمات است. وقتی ما به جای گوش دادن و همدلی با نوجوان فقط به او توصیه ارائه می‌دهیم، نه تنها به وی کمک نمی‌کنیم تا احساس فهمیده شدن و پذیرش کند، بلکه برعکس، فرایند «حل مسئله» را که باید توسط خود او اتفاق بیافتد کند می‌کنیم. نوجوانان فقط می‌خواهند بدانند کماکان مورد پذیرشند و با مشکلاتشان تنها نیستند.

بی‌اعتبار کردن احساسات

بزرگسالان وقتی احساسات نوجوانان را نادیده می‌گیرند و آن را طرد می‌کنند، کوچک می‌شمارند و مورد تمسخر قرار می‌دهند، نمی‌توانند با آنان ارتباط برقرار کنند. بی‌اعتبار کردن احساسات در کانون بیشتر مشکلات ارتباطی، به‌ویژه بین والدین و فرزندان قرار دارد. برخی از شیوه‌های معمول بی‌اعتبار کردن عبارتند از:

الف) بازدارنده‌ها

بیشتر ما می‌خواهیم برای نوجوانان حمایت، راحتی و دلگرمی فراهم کنیم اما به اشتباه از شیوه‌هایی استفاده می‌کنیم که ما را به هدفمان نمی‌رساند. راه‌های زیادی برای بهبود مهارت‌های ارتباطی وجود دارد، ولی مقدم بر آن‌ها کاهش بازدارنده‌های ارتباطی است. بازدارنده‌ها در حقیقت همان اشتباه‌هایی هستند که ما بزرگسالان در ایجاد ارتباط با نوجوانان مرتکب می‌شویم، به این شرح:

برچسب «غیرقابل قبول» به احساسات

وقتی بزرگسالی به نوجوان می‌گوید: «مثل یک بچه گریه نکن، قوی باش!» یا «حق نداری عصبانی بشوی»، در حقیقت دارد به او می‌گوید که احساساتش غیرقابل قبول است. هر زمان به احساسات برچسب اشتباه یا غیرقابل قبول بزنیم، با دو پیامد روبه‌رو خواهیم شد. اول اینکه نوجوان احساس می‌کند هیجانات طبیعی او برای ما قابل پذیرش نیست. بنابراین، به‌منظور اجتناب از طرد شدن، احساساتش را پنهان خواهد کرد یا به‌هنگام بروز هیجانات (که در این سن بسیار هم متغیر و زیاد است) از روبه‌رو شدن با ما اجتناب می‌کند. دوم و بدتر اینکه، او برای هیجانات خاص، احساس شرمندگی و ضعف خواهد کرد و در نتیجه آن‌ها را سرکوب می‌کند. هیجانات سرکوب شده اغلب به شیوه‌های غیرمفید و مخرب بروز خواهند کرد.

کوچک شمردن مسئله

شیوه‌ای که یک بزرگسال مسئله را درک می‌کند، اغلب از شیوه درک نوجوان از همان مسئله، بسیار متفاوت است. ما، به‌عنوان بزرگسال، بسیاری از آزمون‌ها و رنج‌های نوجوانی را پشت‌سر گذاشته‌ایم و می‌دانیم که دل‌های شکسته بهبود می‌یابند، بعد از یک امتحان بد، زندگی جریان دارد، بیشتر لحظات شرمساری در طول زمان فراموش می‌شود و زندگی ادامه دارد.

تلاش برای نشان دادن یک چشم‌انداز در افقی وسیع‌تر به نوجوان، با قصد کمک به او در شرایط دشوار، می‌تواند زیان‌بخش باشد چون نوجوان از لحاظ رشدی هنوز مهارت درک دیدگاه فرد دیگر را ندارد. وقتی بزرگسالان تلاش می‌کنند دیدگاه خود را ارائه کنند، تمام چیزی که نوجوان درک می‌کند این است: «شما مرا جدی نمی‌گیرید.» یا «شما فکر می‌کنید این مهم نیست، پس من مهم نیستم.»

در حالی که چشم‌انداز بزرگسالان ممکن است به واقعیت نزدیک‌تر باشد، اما تلقی نوجوان از آن کوچک شمردن عقیده وی است که باعث می‌شود حس کند درک نشده و لذا تنهاست.

انکار اهمیت موقعیت

چه بسا فکر کنیم که، درخصوص حل یک مشکل، با گفتن به نوجوان که «این شرایط آنقدرها هم بد نیست» تا حدی به او کمک کرده‌ایم. در حالی ممکن است نتیجه کاملاً برعکس باشد. وقتی نوجوانی معترف است که از مسئله‌ای ترسیده ولی بزرگسال به او می‌گوید: «چیزی برای ترسیدن وجود ندارد»، در واقع او احساسات نوجوان را کوچک شمرد و حتی آن مشکل را نفی کرده است، که این باعث می‌شود در آینده نوجوان کمتر تمایل به بروز دادن یا در میان گذاشتن احساساتش داشته باشد. متأسفانه بسیاری از بزرگسالان فکر می‌کنند شیوه پرداختن به این احساسات، تغییر ادراک نوجوانشان است، در حالی که برای کمک به نوجوانان، برای اینکه مسائل را واضح‌تر ببینند، شما باید ابتدا به احساساتشان اعتبار ببخشید و کمکشان کنید تا آن احساسات را پردازش کنند.

واکنش بیش از حد

گاهی هنگام ارتباط با نوجوان، در ما، اضطراب و تردید وجود دارد. که یکی از دلایل آن می‌تواند واکنش بیش از حد نشان دادن ما بزرگسالان، به کلام یا رفتار نوجوان باشد. انکار ترس، تردید و درماندگی در ذهن همه ما وجود دارد. هر زمانی که نوجوان کاری کند یا چیزی بگوید که این احساسات ما را برانگیزد، آن‌ها را به شیوه‌های گوناگونی بروز می‌دهیم. این‌ها فوران بیم و تردیدهای ماست که بیشتر مربوط به نیازهای خودمان است تا نیازهای نوجوانان.

نوجوانان به استرس ناخواسته بسیار حساس‌اند و یک بزرگسال با واکنش بیش از حدی که نشان می‌دهد دقیقاً همان استرس ناخواسته را به‌وجود می‌آورد. بنابراین نشان دادن واکنش‌سنجیده و مناسب به نوجوانان، یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که بزرگسالان باید داشته باشند و البته باید آن را بیاموزند.

حرف زدن بیشتر از گوش دادن

نقلی قدیمی وجود دارد که ما دو گوش داریم و یک دهان تا یادمان باشد که باید دو برابر آنچه می‌گوییم، گوش دهیم. این مطلب به‌ویژه هنگام ارتباط با نوجوانان اهمیت دارد. نوجوانان معمولاً حرف‌هایی برای گفتن به بزرگسالان دارند، اما به‌خاطر نداشتن فرصت برای گفتن ناکام می‌شوند. بزرگسالان هم به نوبه خود از اینکه نوجوانان با آن‌ها حرف نمی‌زنند یا ارتباط برقرار نمی‌کنند، ناکام می‌شوند. گوش دادن با دقت و پرسیدن سؤال‌های مفید اغلب اطلاعات بیشتری از یک نوجوان به شما خواهد داد تا اینکه تلاش کنید دستور کاری تعیین کنید و روی موضوعاتی که خودتان فکر می‌کنید مهم است تمرکز کنید.

ارسال مداوم پیام‌های منفی

گاهی شیوه صحبت کردن ما، می‌تواند به همان پیامدهایی بینجامد که سعی داریم از آن‌ها اجتناب کنیم! اگر شما فکر کنید یا نگران باشید که نوجوانتان، با رفتاری که دارد، ممکن است در آینده سرکش، مشکل‌ساز یا غیرقابل اعتماد شود، بعید نیست در مواجهه با او زبانی به کار برید که چه بسا بازتاب ترس‌ها و فرض‌های خودتان باشد. بزرگسالانی که پیام‌هایشان به نوجوانان با استفاده افراطی از کلماتی مانند «نکن»، «دست نگه‌دار»، «اصلاً» و... است، نه تنها غرور و مستبد شناخته می‌شوند، بلکه، ناخواسته، رفتارهایی را بروز می‌دهند که خودشان سعی داشتند از آن‌ها جلوگیری کنند. استفاده از عبارات مثبت به جای عبارات منفی و تمرکز بر پیامدهای مثبت مطلوب به جای پیامدهای منفی ناخواسته، آنچه را نوجوان می‌شنود، و بنابراین آنچه را بر آن تمرکز می‌کند، تغییر شکل می‌دهد. نوجوانان معمولاً از شکست‌ها و نقصان‌هایشان بسیار آگاه‌اند اما کمتر قادرند آنچه را خوب انجام می‌دهند، ببینند. هیچ چیزی مثل بازخورد مثبت یک بزرگسال، نوجوان را دلگرم نمی‌کند.

تطبیق ندادن انتظارات

به‌عنوان بزرگسال و به‌ویژه والدین، آسان است که بچه‌ها را کوچک‌تر از آنچه هستند ببینیم. سخت است بپذیریم آن‌ها دارند بزرگ می‌شوند. اما نوجوانان همین‌طور که بزرگ‌تر می‌شوند، به فرصت‌هایی نیاز دارند تا مسئولیت و استقلال بیشتری داشته باشند. بزرگسالانی که دائماً محدودیت‌ها و قوانینی را بر نوجوان تحمیل می‌کنند که خارج از ظرفیت موجود او، از نظر سنی، جسمی، عاطفی و... است، می‌توانند وی را ناکام کنند و از خود برانند. با صبر کردن و اندیشیدن پیش از «نه» گفتن به یک تقاضا و آماده بودن برای رسیدن به توافق با نوجوان هنگام بحث بر سر محدودیت‌ها و قوانین، عملکرد بهتری خواهیم داشت.

سازنده‌های رابطه با نوجوانان

شیوه‌ها و راه‌هایی که شما می‌توانید از طریق آن‌ها با نوجوانان ارتباط برقرار کنید اشاره می‌کنیم.

- به سخن نوجوان گوش دهید.
- فرصت‌هایی برای صحبت فراهم آورید.
- درباره چیزهایی صحبت کنید که برای نوجوان اهمیت دارد.
- با مهربانی و احترام ارتباط برقرار کنید.
- سؤالات کنجکاوانه پرسید، نه سؤالات مچ‌گیرانه.
- شما مجبور نیستید وقتی عصبانی هستید یا نوجوان عصبانی است به او واکنش نشان دهید.

بسیاری از متخصصان و بزرگسالانی که با نوجوانان کار می‌کنند تصدیق می‌کنند که عبور از دوره نوجوانی مثل «عبور از میدان مین» است! این استعاره چند پیام در خود نهفته دارد. اول آنکه عبور از آن بسیار مهم است زیرا در پس آن پیروزی‌های بزرگی در انتظار نشسته است. دوم آنکه عبور از این میدان نیازمند داشتن آگاهی و مهارت است که باید آموخته شود و سوم آنکه نوجوان هرگز به تنهایی توان عبور بی‌دردسر از این میدان را ندارد و همراهی یک راهنما، در اینجا بزرگسال، با او ضروری است حتی اگر خودش این ضرورت را درک نکند. امیدواریم با کسب آگاهی و مهارت‌های بیشتر، بتوانیم همراهان مؤثرتری برای عبور از این برهه مهم زندگی نوجوانان باشیم.

چندگانگی نقش معلم

ظرافت‌های چندگانه معلمان آمریکا در راهنمایی و مشاوره

دکتر نیره شاه‌محمدی



سایر نقش‌ها تأکید شده است (راهکار ۱-۴، ۷-۸، ۳-۱۷ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش).

هر معلمی در نقش مدیریتی خود با برنامه‌ریزی درست و بهره‌گیری از انواع راهبردها و اقدامات مناسب، کلاس خود را به گونه‌ای اداره می‌کند که آموزش‌های او حداکثر کارایی و اثربخشی را داشته باشد. وی با ایجاد نظم و انضباط در کلاس باعث می‌شود که اولاً سلامت روحی و روانی دانش‌آموزان حفظ شود و ثانیاً تدریس او به نحو بسیار مؤثری انجام پذیرد. همچنین با انتخاب روش تدریس متناسب و هماهنگ با اصول و اهداف آموزش و پرورش و ویژگی‌های دانش‌آموزان، ضمن جهت

اشاره
تعلیم و تربیت، فنی بسیار ظریف و حساس است، به‌طوری که تنها معلمان کارآمد و حرفه‌ای و مطلع از مسائل و فرآیند آموزش و پرورش می‌توانند از عهده انجام آن برآیند. در واقع، این کار نیاز به دانش، آگاهی و مهارت‌های خاصی دارد که بدون داشتن آن‌ها نمی‌توان به امر تعلیم و تربیت پرداخت. با توجه به جایگاه حساس و کلیدی معلمان در نظام آموزشی لازم است بتوانند نقش‌های متعددی اعم از مدیر، طراح فضای کلاس درس، آموزگار، مدرس، دوست، الگو، راهنما و مشاور را در کلاس درس ایفا نمایند. در این میان بر نقش الگویی و مرجعیت وی بیش از

● دادن شخصیت به

دانش‌آموزان و تشویق آن‌ها به موفقیت با تأکید بر نقاط قوتشان؛

● توجه و ابراز محبت به

دانش‌آموزان؛

● احترام گذاشتن و دادن عزت

نفس به آن‌ها؛

● توجه به احساسات تمامی

دانش‌آموزان؛

معلم در تعامل با دانش‌آموزان این کارها را انجام می‌دهد:

● مقایسه نکردن دانش‌آموزان با یکدیگر؛

در مدارس آمریکا شرایط
کار و نوع برنامه‌ها به
شکلی است که زمینه کار
با تعداد کم دانش آموز
فراهم است و به معلم
امکان می‌دهد تک تک
دانش آموزان را بشناسد و
با آن‌ها ارتباط برقرار کند



و پیشرفت مداوم مدرسه، و ارایه فرصت‌های یادگیری مداوم برای کارکنان و دانش آموزان تمرکز دارد و در تحقق آن‌ها نقش معلم بسیار حائز اهمیت است. معلم کلید حل مشکلات و مهم‌ترین متخصص در محیط محسوب می‌شود. پشتیبانی و مشارکت معلم در هر نوع برنامه‌ای که به دانش آموزان مربوط شود حیاتی است. زیرا معلم مسئول پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است و به عنوان راهنما و هدایت‌کننده دانش آموزان، رشد اجتماعی، تحصیلی؛ احساسی دانش آموز را در طول دوران تحصیل کنترل و از آن‌ها حمایت می‌کند. در مدارس آمریکا شرایط کار و نوع برنامه‌ها به شکلی است که زمینه کار با تعداد کم دانش آموز فراهم است و به معلم امکان می‌دهد تک تک دانش آموزان را بشناسد و با آن‌ها ارتباط برقرار کند. این ارتباط در چهار حالت: روحی-روانی و عاطفی؛ اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی؛ تربیتی-رفتاری و خانوادگی؛ تحصیلی و هنری صورت می‌گیرد.

و پرورشی به آنان مشورت دهد. با عنایت به اهمیت هر یک از نقش‌های ذکر شده، امروزه کشورها با ارائه برنامه‌های جامع رشد حرفه‌ای معلمان سعی در بهره‌گیری، غنی‌سازی و پررنگ کردن این نقش‌ها نموده‌اند. امریکا یکی از کشورهایی است که مدارس آن با ارائه برنامه‌های متعدد و متنوع با مشارکت کلیه کارکنان (به‌عنوان اعضای یک تیم) نقش مهمی را در موفقیت تک تک دانش آموزان و برآوردن نیازهای اجتماعی، احساسی، تحصیلی آن‌ها ایفا می‌کنند. برنامه‌های مذکور بر رشد حرفه‌ای معلمان و کارکنان و یادگیری

دادن به فعالیت‌های آموزشی خود، شاگردان را به سوی اهداف تعلیم و تربیت هدایت می‌کند و تلاش دارد بر محتوای آموزشی و موضوع درسی که می‌خواهد برای دانش آموزان ارائه دهد، مسلط باشد. توانایی و احاطه معلم بر محتوای درسی باعث می‌شود که دانش آموزان در فراگیری و آموزش با مشکلات کمتری مواجه شوند. معلم، به‌عنوان الگو و دوست دانش آموزان، سعی می‌کند از محبوبیتی مناسب در بین آن‌ها برخوردار باشد تا این نقش که زمینه‌ساز تحولات رشد یابنده هویت دانش آموزان است، به درستی تحقق یابد. اثربخشی نقش دوستی و الگوپذیری دانش آموزان از معلمان به عواملی نظیر علاقه‌مندی به معلم و رابطه اعتماد متقابل بستگی دارد. علاقه دانش آموزان به معلم خود موجب رشد ارزش‌های اخلاقی در آن‌ها می‌شود. رابطه اعتماد متقابل بین دانش آموز و معلم، حرف شنوی و اطاعت دانش آموز از او را افزایش می‌دهد.

در نقش راهنمایی و مشورتی، معلم سعی می‌کند با شناسایی مشکلات آموزشی و پرورشی و آگاهی از سبک‌های یادگیری دانش آموزان، ضمن کمک به قرار گرفتن آن‌ها در مسیر درست تحصیلی، در زمینه‌های مختلف آموزشی

داشتن نگاهی یکسان و عادلانه به دانش آموزان؛

دعوت آن‌ها به مشارکت در فعالیت‌های کلاسی؛

دریافت نظرات دانش آموزان نسبت به خود، رفتار، شیوه تدریس و برخورد؛

احترام گذاردن به آن‌ها؛

نظارت بر نحوه درس خواندن دانش آموز؛

یازشناسی به موقع نیاز دانش آموز و پاسخگویی به موقع به آن نیاز؛

نگاه کردن به تمامی دانش آموزان در حین توضیح دادن درس در بین جمع؛



در این برنامه‌ها معلم همچنین می‌تواند دانش‌آموزان دارای عملکرد تحصیلی بسیار پایین را انتخاب کند، فرایند پیشرفت آن‌ها را زیر نظر گیرد و با آن‌ها به‌صورت فشرده کار کند. در این شرایط معلم به رفع موانع تحصیلی دانش‌آموز می‌پردازد و با او ارتباط مثبت برقرار می‌نماید. مدارس به‌منظور کمک به درک بهتر معلم از نقش و مسئولیت خود، به‌عنوان هدایت‌گر و تسهیل‌کننده یادگیری، با همکاری مدیران مدارس، دوره‌های آموزشی خاصی را برای آنان در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر، لازم است معلم بداند که در خط مقدم ایجاد تغییر و تحول در دانش‌آموزان به سوی پیشرفت قرار دارد.

یکی از نقاط برجسته این برنامه‌ها برقراری ارتباط عاطفی به‌عنوان یکی از اهرم‌های جذب دانش‌آموزان در فرایند کار با آنان است. این امر کمک می‌کند تا معلم با دانش‌آموزان صادق باشد و آن‌ها را در یک فضای محبت‌آمیز مورد انتقاد قرار دهد تا بتواند قوانین انضباطی را در کلاس خود پیاده کند.

معلم همچنین مشاهدات کلاسی خود، شواهد تحصیلی مانند نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دروس مختلف، عملکرد تحصیلی و نمونه‌هایی از کار کلاسی او را در اختیار تیم مشاوره و هدایت تحصیلی مدرسه جهت تصمیم‌گیری بعدی قرار می‌دهد. در چنین شرایطی دیگر تلاش معلم تنها معطوف به آموزش

معلم کارهای ذکر شده را به روش‌های مختلفی انجام می‌دهد:

۱ انجام فعالیت‌های فوق‌برنامه و پروژه‌ها و فعالیت‌هایی که منجر به ارتقای موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد؛

۲ برگزاری کنفرانس‌ها، همایش و گردهمایی‌های دانش‌آموزی به منظور توجه به تمامی نیازهای دانش‌آموزان؛

۳ بررسی نمرات تحصیلی دانش‌آموزان با حضور خود آن‌ها به منظور تعیین اینکه آیا آن‌ها در درس خود تا چه حد موفق‌اند؛

۴ برقراری ارتباط با والدین و آگاه کردن آن‌ها از وضعیت تحصیلی فرزندشان؛

۵ همکاری نزدیک با مدیر و مشاور مدرسه به منظور فراهم ساختن منابع مورد نیاز دانش‌آموزان برای موفقیت‌شان.

موضوع درسی خود نیست، بلکه او مشکلات دانش‌آموزان را شناسایی و با استفاده از تبحر و تجربیات خود کمک به حل آن می‌نماید. معلم همچنین لازم است هم خودش دارای مهارت‌هایی مانند رهبری، اخلاق کاری، توانایی کار در گروه با دیگران، برقراری تعامل اجتماعی با همسالان، خودآگاهی و عزت نفس باشد و هم آن‌ها را در دانش‌آموزان ایجاد کند. باید بتواند، به‌صورت آگاهانه و با استفاده از روش‌های درست، دانش‌آموزان خود را بشناسد، با آن‌ها ارتباط سازنده و مؤثر برقرار کند، شناختی مقدماتی از مشکلات آنان به دست آورد و در مراحل بعدی به آن‌ها راهنمایی‌های لازم تحصیلی را بدهد. مسئولان نظام آموزشی آمریکا بر این باورند که نقش هدایت‌گری و مشورتی معلمان در دوره‌های ابتدایی و متوسطه یکسان نیست. معمولاً معلمان ابتدایی به دلیل ارتباط مستمر با دانش‌آموزان آزادی عمل بیشتری دارند و وقت بیشتری را برای درگیری با مسائل دانش‌آموزان اختصاص می‌دهند، اما در دوره متوسطه، به علت ویژگی سنی دانش‌آموزان، نقش معلمان کم‌رنگ‌تر می‌شود. لذا دوره‌های آموزشی ضمن خدمت می‌تواند کیفیت علمی و تخصصی و مهارت‌های معلمان را در این زمینه افزایش دهد.

* منابع

- Allen, David, Nichols, Patrice, Tocchi, Charles, et al (2012) Supporting Students Success Through Distributed, Counseling, Institute for Students Achivement, United State
- Ray, Linda, Media, Demand (2013) Effective career guidance begins at the high school level or earlier, International Journal of Scientifi Research in Education, JUNE

● اهمیت دادن به استقلال

دانش‌آموزان (خصوصاً در دوره تحصیلی متوسطه که دانش‌آموزان در سن احساس استقلال قرار دارند)؛

● کمک به دانش‌آموزان

در مسئولیت‌پذیری و گرفتن تصمیمات درست؛

● عقب نشینی نکردن در

مقابل موضع دانش‌آموز، اگر دانش‌آموزی در مقابل تغییر از خود مقاومت نشان می‌دهد؛

● گروه‌بندی دانش‌آموزان به

صورت هفتگی (گروه‌ها را با ترتیب اولویت تشویق و انتخاب می‌کند)

● آموزش این امر که در

کلاس اشتباه کردن مجاز است اما دانش‌آموز نباید بر اشتباه خود مصر باشد، بلکه باید از اشتباهات به‌عنوان کلید و تجربه راه آینده استفاده کند؛

● تا جایی که می‌تواند به

دانش‌آموزان اجازه دهد که خود مکان نشستن را انتخاب کنند.

عشق به کار

گفت‌وگویی متفاوت با دکتر پرویز کردوانی

علی شادکام

معاون پژوهشی دبیرستان پرورش استعدادهای

درخشان شهید ستاری ورامین

تصویرگر: مجید کاظمی

دکتر پرویز کردوانی شخصیتی شناخته شده در حوزه جغرافیا و کویرشناسی است. دیدگاه‌ها و نظرات او درخصوص بحران آب، مسائل زیست‌محیطی و ریزگردها همواره مورد توجه رسانه‌ها، مطبوعات و سیاست‌گزاران کشور است. در اواخر سال ۹۳، به دعوت دبیرستان تیزهوشان ورامین، دکتر کردوانی در جمع دانش‌آموزان و دبیران این دبیرستان حاضر شد و به ایراد سخن پرداخت. در حاشیه این برنامه گفت‌وگویی متفاوت با ایشان داشتیم که در آن از آموزش و پرورش دیروز و امروز ایران صحبت شد.

آقای دکتر کردوانی، شما یک شخصیت برجسته علمی دانشگاهی هستید. چه شده که این بار مخاطب سخن شما نه دانشگاهیان یا مسئولین که دانش‌آموزان و معلمان این مدرسه هستند؟

در پاسخ به سؤال شما باید اشاره کنم به گذشته‌های دور، یعنی زمانی که من در گرمسار، محل تولدم، تحصیل می‌کردم و پدر من بلوک‌بازی گرمسار بود. از همان کودکی ورامین محل عبور ما هم بود. در آن زمان حاج آقا محمد خاوه‌ای بلوک‌بازی ورامین بود. من این منطقه را به خوبی می‌شناسم. وقتی کودک بودم در روستای ما مدرسه‌ای توسط پسر یکی از همان دهاتی‌ها درست شد. این فرد آنقدر دلسوز بود که همه ما بچه مدرسه‌ای‌ها عاشق او بودیم. کار این فرد و دلسوزی او تأثیر بسیار زیادی بر منطقه، به لحاظ فرهنگی داشت. به طور کلی، مدرسه نقش و جایگاه مهمی در شکل‌گیری

شخصیت فرهنگی و علمی فرد دارد و به‌ویژه اگر افراد دلسوز در بین معلمان باشند می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر زندگی افراد داشته باشد. گاهی ما از فردی مثل ناپلئون بناپارت اسم می‌بریم و می‌گوییم که چنین کرد و چنان کرد! باید توجه داشت که گاه یک فرد می‌تواند به‌تنهایی اقداماتی انجام دهد که در زندگی و آینده افراد دیگر جامعه تأثیر شگرفی بگذارد. هرچند نمی‌توان تأثیر اقدام یک فرد را در کوتاه‌مدت سنجید و اندازه گرفت. به‌نظر من مدرسه‌ای که افرادی در آن به‌دنبال این‌گونه تأثیرگذاری‌ها هستند در همین راستا حرکت می‌کند و باید قدر آن مدرسه را دانست. من هشتاد و پنج سال دارم و چهل و هشت سال است که استاد دانشگاه هستم. زندگی را فهمیده‌ام و می‌دانم معنی مدرسه و کار کردن برای دانش‌آموز چیست. به همین دلیل وقتی اولیای این مدرسه مرا دعوت کردند با علاقه پذیرفتم.

مدرسه نقش و جایگاه مهمی در شکل‌گیری شخصیت فرهنگی و علمی فرد دارد و به‌ویژه اگر افراد دلسوز در بین معلمان باشند می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر زندگی افراد داشته باشد

به نظر می‌رسد شخصی که در روستای شما آن مدرسه را ساخت در زندگی شما تأثیر زیادی داشته است؟

بله. نه فقط در زندگی من بلکه همه ما بچه‌های آن ده از این اقدام او تأثیر گرفتیم. او فرد بسیار دلسوزی بود. در آن زمان دخترها حق نداشتند برای تحصیل از خانه خارج شوند، لذا این فرد می‌رفت و یکی یکی آن‌ها را در منزلشان درس می‌داد. نامش آقا سید کریم بود. به دلیل همین کارها تمام مردم ده عاشق او بودند. گاه تنها یک نفر است که همه چیز را درست می‌کند. یک نفر همه کارها را انجام می‌دهد. در زمان کودکی ما آن یک نفر سید کریم بود. من در این سن و با این سابقه طولانی تدریس ارزش کارهای این چنینی را می‌فهمم. مملکت آدم می‌خواهد، انسان می‌خواهد، محیط می‌خواهد برای رشد افراد. همه باید کمک کنیم تا در مناطق مختلف، به خصوص مناطق محروم، زمینه رشد بچه‌ها فراهم شود. از نظر من معلم کلاس اول مهم‌ترین معلم است. افراد اجتماع هر کاره‌ای که بشوند از بابت عملکرد معلمان در دوران مدرسه به‌ویژه معلم کلاس اولشان است. آموزش و پرورش با هم توأم هستند. در مدرسه است که فرد رشد شخصیت پیدا می‌کند. وقتی انضباط و بهداشت و نوع عملکرد دانش‌آموز در مدرسه مورد توجه دقیق قرار گیرد، بخش بزرگی از شخصیت دانش‌آموز ساخته می‌شود. دانشگاه دیگر جای این‌گونه کارها نیست. گاه افرادی که می‌خواهند مثلاً نماینده مجلس شوند از من می‌پرسند که چه اقداماتی را باید در اولویت کار قرار دهند. من به آن‌ها می‌گویم باید بچه‌های این مملکت را دریابیم. خیلی از بچه‌ها الان بیکارند. برای خودشان وقت تلف می‌کنند، سیگاری می‌شوند، کارهای دیگر می‌کنند. در حالی که می‌توان زمینه کارهای مختلف را برایشان فراهم کرد و از افراد با لیاقت برای راهنمایی بچه‌ها و خانواده‌ها استفاده کرد. دبیران قدیمی و با تجربه می‌توانند به ساختن این فضاها کمک کنند، استعدادها را بچه‌ها را شناسایی کنند و آن‌ها را راهنمایی کنند تا در مسیر شکوفایی استعدادشان حرکت کنند تا علاوه بر تحصیل در مدرسه، استعدادها را در زمینه موسیقی، نقاشی، هنرهای دستی و دیگر زمینه‌ها به‌طور کاربردی پرورش پیدا کند. با این کار می‌توان تشخیص داد که هر فرد چه ظرفیتهایی دارد. علاوه بر اینها ما وقتی می‌خواهیم با ابزاری کار کنیم، احتیاج به تکنسین داریم. اگر تکنسین نباشد پیشرفته‌ترین وسایل و ابزارها به درد ما

نخواهد خورد. آموزش و پرورش نقش تکنسین را دارد برای بهره‌برداری از یک نظام آموزشی و پرورشی و ساخته شدن انسان‌ها. پایه‌های تحقیق و پژوهش باید در آموزش و پرورش برای دانش‌آموز تشریح شود. از سوی دیگر تکنسین‌های مادر سایر زمینه‌های فنی هم از طریق نظام آموزشی ساخته می‌شوند.

من پزشکی را می‌شناسم که سیزده سال مطب باز کرده بود و طبابت می‌کرد. ناگهان، بعد از سیزده سال، همه چیز را گذاشت کنار و گفت من عاشق نقاشی هستم. نمی‌توانم طبابت کنم! مسئله این است که در گذشته، اینکه فرد چه استعدادی دارد بهتر تشخیص داده می‌شد تا امروز!

در زمان شما چگونه این تشخیص به وجود می‌آمد؟

ما می‌رفتیم کار می‌کردیم. کارهای مختلف مثل آهنگری، نجاری، خیاطی، کشاورزی و... بچه‌ها در تعطیلات می‌رفتند کار می‌کردند و چیز یاد می‌گرفتند. حتی خیلی وقت‌ها مزدی هم در کار نبود. الان متأسفانه خانواده مثل گذشته کار کرد ندارد. بچه نمی‌داند عمو یعنی چه، دایی یعنی چه! بچه مفهوم برادر را هم نمی‌داند! این وضع خانواده. این هم وضع بچه‌ها که وقتشان تلف می‌شود. خود من با وجود این که پسر ارباب بودم مثلاً وقتی صندلی‌ام خراب می‌شد، ابزار جور می‌کردم و صندلی را هر طور شده تعمیر می‌کردم. ما از کنار یک چنین چیزهایی به سادگی نمی‌گذشتیم. الان در دانشگاه بینیم پسر بیست و شش سال دارد، دختر بیست و چهار سالش است، ازدواج هم کرده‌اند. ولی وقتی دقت می‌کنیم می‌بینیم این دختر نمی‌تواند شکاف درز کنار مانو خودش را درست کند. یا آقا زیر لامپ خراب نشسته. می‌زی که از آن استفاده می‌کند شکسته و او نمی‌تواند تعمیرش کند. این توانایی‌ها را ندارند. این خیلی بد است.

به نظر شما بچه‌های امروز باید بروند شاگردی صنف‌های مختلف را بکنند؟

الان وضعی است که نمی‌شود به آسانی این کار را کرد. بچه هم نمی‌رود شاگردی اما اقلاً می‌توان با توجه به آن چیزی که گفتم استعدادها را بچه‌ها را تشخیص داد. در آلمان دیدم؛ کسی که مثلاً کشاورزی می‌خواند الزاماً باید یک سال تمام را در محیط ده زندگی و کار می‌کرد تا با جنبه‌های عملی و کاربردی مرتبط با تحصیلش از نزدیک

ما می‌رفتیم
کار می‌کردیم.
کارهای مختلف
مثل آهنگری،
نجاری، خیاطی،
کشاورزی
و... بچه‌ها
در تعطیلات
می‌رفتند کار
می‌کردند و چیز
یاد می‌گرفتند.
حتی خیلی
وقت‌ها مزدی هم
در کار نبود



هستند خودش هم وارد عمل می‌شود و با جدیت بیشتری کار می‌کند.

از سیدکریم بیشتر بگویید.

وقتی سیدکریم از دنیا رفت من خارج از ایران بودم. از شنیدن خبر در گذشتش خیلی ناراحت شدم و گریستم. او با دوچرخه دائم برای همین امور بچه‌ها این طرف و آن طرف می‌رفت، آخر سر هم در تهران با دوچرخه‌اش تصادف کرد و فوت کرد. پدر سیدکریم ثروت زیادی داشت و این ثروت را مباشر پدرش مدیریت می‌کرد. سیدکریم همان زمان‌ها هم به من می‌گفت می‌روم سر مباشر پدرم کلاه می‌گذارم! اما خودش می‌گفت که این‌گونه پول بیشتری به‌دست می‌آورد و خرج بچه‌ها و مدرسه می‌کند! من وقتی می‌بینم سیدکریم در آن زمان این کارها را انجام می‌داد و یا همین امروز افرادی مثل او با همین روحیه پیدا می‌شوند با خودم می‌گویم این افراد دیوانه‌اند! البته نه آن دیوانه‌ای که عقل ندارد. اینها «عاشق دیوانه»‌اند. خود من هم همین حالت را دارم. بعضی مواقع به‌دلیل نقص کوچکی که در اثر تصادف بر من عارض شده باید استراحت کنم. همسر من به من می‌گوید نرو. استراحت کن مرد! ولی من دوتا عصا زیر بغلم می‌زنم می‌روم سر کارم. نمی‌توانم کلاس را تعطیل کنم. از این کار لذت می‌برم. همین الان هم می‌توانم پنج کلاس درس دکتری را پشت سرهم درس بدهم. خسته نمی‌شوم. ده شب که می‌آیم خانه، همسر من می‌گوید مرد مُردی! و من می‌گویم نه! اگر می‌خواهی مهمانی برویم الان وقتش است برویم. او می‌گوید آخر تو چه موجودی هستی از صبح ساعت هفت رفتی ده شب آمده‌ای خسته نشدی؟ پاسخ من این است که هرکسی از یک چیزی لذت می‌برد. من هم از کار لذت می‌برم و خسته نمی‌شوم. سیدکریم هم همین‌طور بود.

ممنون از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار ما قرار دادید.

در ادامه این را هم اضافه کنم که دوران مدرسه دورانی است که خانواده‌ها می‌توانند دست بچه‌ها را بگیرند و آن‌ها را هدایت کنند. در دانشگاه دیگر این‌طور رابطه‌ای برقرار نیست. برعکس است! اینجاست که اگر مدرسه کارش را درست انجام داده باشد، دانشجویان و خانواده‌هایشان هم در بسیاری از زمینه‌ها بدون نگرانی و دشواری حرکت می‌کنند.

آشنا شود. این تشخیص خیلی مهم است. گاهی در بین معلمان افرادی پیدا می‌شوند که اهمیت این تشخیص را درک کرده‌اند و برای بچه‌ها تلاش‌های زیادی می‌کنند. اما متأسفانه وضع به گونه‌ای است که این افراد در جامعه جدی گرفته نمی‌شوند. برخی فکر می‌کنند اگر معلم فرزندان دلسوز است و نسبت به رفع کاستی‌های دانش‌آموزانش مدام در تلاش است، وظیفه از جانب خودشان ساقط می‌شود. یا بدتر از این فکر می‌کنند این‌گونه افراد دلسوز، با عرض پوزش، احمق هستند که وقت و زندگی شخصی‌شان به‌طور فوق‌العاده به امور بچه‌ها اختصاص می‌دهند. درحالی‌که باید برعکس باشد و این بی‌تفاوتی خطرناک والدین باید رفع شود. معلمان دلسوزی هستند که می‌خواهند کار کنند و توقعی هم ندارند، اما کسی به حرف آن‌ها گوش نمی‌دهد. یکی از نشانه‌های همین جلسه‌ای است که امروز با دانش‌آموزان داشتیم. من این وضع را به خوبی درک می‌کنم و متأسف هستم. من عاشق کارم هستم. بعضی وقت‌ها که کسالت دارم همسر من به من می‌گوید امروز را استراحت کن. به او می‌گویم که وقتی به کلاس درس می‌روم خوب می‌شوم و واقعا هم همین‌طور است. به یاد دارم زمانی که دیسک کمر داشتم دانشجویان مرا به حالت خوابیده از منزل به کلاس می‌بردند. سر کلاس خوابیده درس می‌گفتم. چند ساعت پی‌درپی تدریس می‌کردم و باز به همان حالت خوابیده مرا به منزل برمی‌گرداندند.

از این‌گونه کارکردن احساس خستگی نمی‌کنید؟

خستگی جسمی، چرا. اما من اصلاً نمی‌توانم در خانه بمانم و استراحت کنم. حتی موقع بیماری. شب ساعت یازده می‌خوابم و سه و نیم صبح بیدار می‌شوم. یک زمانی ساعات تدریس خیلی زیاد بود. آن زمان که دانشگاه تهران دوره‌های شبانه داشت تا ساعت ده شب درس می‌دادم و وقتی به منزل می‌آمدم هیچ احساس خستگی نمی‌کردم. اما در ادامه صحبت قبلی‌ام باید این را اضافه کنم که وقتی معلمی یا مدرسه‌ای به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان اهتمام ویژه دارد، همه باید به پیشرفت برنامه‌های مدرسه کمک کنند. والدین بچه‌ها نباید نسبت به اقدامات مدرسه یا معلمین بی‌تفاوت باشند. وقتی دانش‌آموز می‌بیند که از یک طرف مدرسه و از طرف دیگر پدر و مادرش نسبت به آموزش و پرورش او حساس

والدین بچه‌ها
نباید نسبت به
اقدامات مدرسه
یا معلمین
بی‌تفاوت باشند.
وقتی دانش‌آموز
می‌بیند که از یک
طرف مدرسه و از
طرف دیگر پدر و
مادرش نسبت به
آموزش و پرورش
او حساس هستند
خودش هم وارد
عمل می‌شود و با
جدیت بیشتری
کار می‌کند

زنگ نشاط

نقش مدیران و معاونان مدارس در کیفیت بخشی درس تربیت بدنی

حمید دامرودی

رئیس گروه برنامه ریزی درس تربیت بدنی / معاونت تربیت بدنی و سلامت
عکس: اعظم لاریجانی

برای مدت یک سال تحصیلی، به اجرای برنامه ها کمک کرده و از تلف شدن وقت مربیان تربیت بدنی و دانش آموزان می کاهد.

۲ **اتاق تربیت بدنی:** در هر مدرسه با آموزشگاه باید یک اتاق برای نگاه داری وسایل ورزشی اختصاص داده شود. این اتاق را باید با کمد ها و وسایل فلزی یا چوبی تجهیز و قفسه بندی کرده و از هر قفسه آن، برای یک نوع وسیله ورزشی استفاده نمایند. فهرست کلیه وسایل ورزشی موجود باید در اختیار مربیان تربیت بدنی قرار گیرد. خارج کردن و برگرداندن وسایل ورزشی از انبار ورزش، باید بسیار منظم و تحت نظر مربی، به کمک دانش آموزان صورت پذیرد.

۳ **نظارت بر کار معلم تربیت بدنی:** ادب و نزاکت و بازی صادقانه و حفظ امانت از هدف های مهم تربیت بدنی است و مربیان تربیت بدنی باید این رفتارها را در دانش آموزان ایجاد و تقویت کنند. هرگز نباید از ابزار ترس و وحشت در پیشبرد اهداف خود استفاده کنند بلکه به جای آن باید از محبت، صفتی که در نفس انسان است، استفاده نمایند.

۴ **تشکیل شورای تربیت بدنی مدرسه:** دانش آموزان باید آزادی بیان داشته باشند تا بتوانند آنچه را که

مدیریت در عرصه تعلیم و تربیت از دشوارترین بخش های مدیریتی است. کار مدیر از آن جهت سخت می شود که باید با دانش آموزان و تفکرات مختلف و متفاوت آن ها در مدرسه روبه رو شود و رسالت آموزش و پرورش آنان را به دوش بگیرد. هر اتفاقی که در محیط آموزشی رخ دهد، مسئولیت آن به عهده مدیر است. همان طور که می دانیم رشد دانش آموز در مدرسه باید همه جانبه باشد و مدیر مدرسه به همان نسبت که مسائل آموزشی، پرورشی را هدایت و مدیریت می کند باید برای سلامت، رشد جسمانی و شادی و نشاط دانش آموزان نیز برنامه داشته باشد. نویسنده در این مقاله سعی دارد با ارائه چهارده راهکار و نکته مهم زیر در اجرای درس تربیت بدنی و فعالیت های ورزشی، موجبات دانش افزایی مدیران و معاونین را فراهم گرداند.

۱ **وسایل ورزشی:** تهیه وسایل ورزشی باید بر مبنای مطالعات دقیق و با توجه به نیازهای موجود و نیز کیفیت و قیمت های مناسب صورت گیرد و تهیه کلی وسایل ورزشی

ساعت تربیت بدنی
باید با نشاط و شادی
دانش آموزان همراه
باشد. سر و صدای
طبیعی، از علاقه مندی
دانش آموزان به
ورزش و لذت بردن از
فعالیت های ورزشی
سرچشمه می گیرد و
امری عادی است

در جهت پیشبرد تقویت آزادی
بیان و استفاده از نظر جمعی و
تقویت تفکر گروهی اقدام نمایند.

۵. نشاط و شادابی در

ساعت تربیت بدنی: ساعت

تربیت بدنی باید با نشاط و شادی
دانش آموزان همراه باشد. سر و
صدای طبیعی، از علاقه مندی
دانش آموزان به ورزش و لذت
بردن از فعالیت های ورزشی
سرچشمه می گیرد و امری عادی
است. معاونان مدرسه نباید از
معلمین یا مربیان تربیت بدنی و
دانش آموزان بخواهند در سکوت
کامل به فعالیت بپردازند. هرچند
کار معاون برقراری نظم و انضباط
در مدرسه است اما باید طوری
عمل کند که شادی و نشاط،
احساس امنیت و اعتماد به نفس در
دانش آموزان تقویت شود.

۶. تشویق ورزشکاران:

مدیران و معاونان مدارس
می توانند از ورزش و فعالیت های
ورزشی و دادن جوایز ورزشی به
دانش آموزان یک کلاس موجب
افزایش انگیزه آنان شوند. در این
جهت موارد زیر بهتر است رعایت
شود:

★ تشویق باید به جا و متناسب
با میزان و نوع عمل باشد و از نظر

می خواهند بگویند؛ البته این بدان
معنا نیست که هر چه می خواهند
و به هر صورتی که می خواهند
بگویند، بلکه منظور این است که
منطق گفتار و سلامت رفتار را
رعایت کنند. این حریم باید از دو
طرف، یعنی مربی و دانش آموز،
محترم شمرده شود. دنیای کودک
یا نوجوان دنیای ادبیات موسیقی و
لطافت است. اگر می خواهیم با او
رابطه درست داشته باشیم و او را به
سمت و جهت صحیح هدایت کنیم،
باید از دادن اختیارات نادرست به
او اجتناب کنیم؛ باید دقتی عمیق
و حساسیتی وسیع از خود نشان
دهیم و بکوشیم با او آن گونه رفتار
کنیم که می بایست نه آن گونه که
دلمان می خواهد. باید آزادی های
طبیعی و قراردادی او را محترم
بشماریم و در جهت بهتر استفاده
کردن از آزادی اش، او را یاری کنیم
تا ما نیز از استعدادها و توانایی های
او استفاده مطلوب و لازم را ببریم.
باید در همه اوقات سعی کنیم
به او بیاموزیم که چگونه به خود
متکی باشد و از ارزش های اخلاقی
و تندرستی خود محافظت کند نه
اینکه فردی وابسته و بی کفایت
باشد. مدیران مدارس با تشکیل
شورای ورزشی مدرسه می توانند



کمی و کیفی با توجه به روحیه دانش آموز تهیه شود.

★ هنگام تشویق باید دلیل آن بر شخصی که تشویق می شود، روشن باشد.

★ پاداش ها بایستی در معرض دید دانش آموز قرار بگیرد، زیرا اگر دانش آموز پاداش خود را مشاهده کند با خیال راحت و با اطمینان بیشتری به فعالیت می پردازد.

★ نوع و میزان و چگونگی جوایز باید تعریف شده و مشخص باشد تا دانش آموز بداند اگر تا چه اندازه تلاش بکند به آن پاداش خواهد رسید.

★ تشویق باید بتواند در بین دانش آموزان ایجاد رقابت سالم نماید و در جهت رسیدن به آن ها خیزشی هماهنگ و برانگیختگی قوی ایجاد کند. در این صورت است که از ارزش اجرایی بسیار بالایی برخوردار خواهد بود.

★ در بحث تشویق نباید فقط به دانش آموزان ممتاز توجه کرد بلکه به دانش آموزان مسئولیت پذیر و همچنین دانش آموزان ضعیف هم باید توجه شود، چه بسا اگر کوچک ترین حرکت و پیشرفت آن ها مورد توجه قرار گیرد، آنان هم تلاش خواهند کرد.

۷ امنیت کلاس: یکی از عوامل کلیدی برای ایجاد امنیت در کلاس تربیت بدنی و نیز فعالیت های ورزشی خارج از کلاس، نظم است. قوانین ساده و روشن، منجر به شکل گیری نظم و ترتیب در مدرسه می شوند. اجرای قوانین، حتی قوانینی که در یادگیری دانش آموزان کمترین اثر را دارند باید توسط تمامی دانش آموزان و حتی اولیای آنان در مدرسه رعایت شوند (به طور مثال پوشیدن لباس ورزشی، هل ندادن، بیش از حد داد نزدن، به موقع در فعالیت ها

کامل او مؤثر باشد. در این راستا نظرخواهی از معلم تربیت بدنی و یا مربی ورزشی دانش آموزان طی سال تحصیلی در مورد هر دانش آموز می تواند به شناخت آن ها کمک بیشتری نماید.

۱۰ برگزاری رویدادهای

ورزشی: برگزاری مسابقه هایی در سطح مدرسه با عنوان رویدادهای ورزشی شناخته شده مانند جام فوتسال در مدرسه؟! لیگ قهرمانی والیبال مدرسه، مسابقات المپیاد مدرسه و غیره می تواند اعتماد به نفس و... دانش آموزان را افزایش دهد.

۱۱ کمک معاون مدرسه:

استفاده از سرگروه های ورزشی و کاپیتان رشته های مختلف ورزشی - به عنوان کمک معاون مدرسه - در هر رشته برای کمک به معاونان می تواند مؤثر باشد.

۱۲ مشارکت ورزشی دیگر

دبیران: باید تمهیداتی فراهم شود تا معلمان درس های دیگر نیز، به همراه کلیه عوامل اجرایی مدرسه و دانش آموزان به فعالیت های ورزشی بپردازند.

۱۳ فرصت زنگ تفریح: تا حد

امکان در زنگ های تفریح فضای شادی و نشاط را با استفاده از فعالیت های ورزشی تکمیل کنید.

۱۴ تقسیم بندی حیاط

مدرسه: در صورت وجود فضای کافی، می توانید بخشی از حیاط مدرسه را برای چند کلاس به منظور استفاده تفریحی و قدم زدن و بخشی را برای بازی ها و ورزش های فردی و گروهی اختصاص دهید.

حاضر شدن، در ورود به کلاس نظم را رعایت کردن و... هنگامی که مدرسه به مقررات انضباطی اهمیت بدهد و آن ها را در مورد دانش آموزان به اجرا بگذارد پیام ایمنی قوی به دانش آموزان منتقل می کند. هنگامی که اولیای مدرسه هماهنگ و منطبق با قوانین انضباطی مدرسه عمل نمایند دانش آموزان نیز یاد خواهند گرفت که از قوانین و مقررات انضباطی مدرسه پیروی و به آن ها عمل کنند.

۸ شناسایی دانش آموزان:

برای شناخت توانایی حرکتی و ورزشی دانش آموزان، باید با استفاده از پرسش نامه در هنگام ثبت نام و یا در مناسبت های دیگر، اطلاعات اولیه را به دست آورید. معاونان باید تمام اطلاعات ورزشی دانش آموزان را در دفتری ثبت کنند (چرا که معلمین تربیت بدنی مدارس ممکن است هر ساله تعویض شوند) در این دفتر می توان موفقیت ها و کاستی های رفتاری و ناتوانایی های حرکتی دانش آموزان را نیز درج نمود. همچنین باید شاگردانی را که مشکل یا بیماری خاص دارند شناسایی کرد تا همواره مدنظر باشند.

۹ فرصت طلایی: معاونان مدرسه باید

حتما زمانی را برای مشاهده دقیق رفتار دانش آموزان در کلاس درس تربیت بدنی و نیز به هنگام فعالیت های ورزشی اعم از مسابقات و... اختصاص دهند و از این فرصت طلایی استفاده کنند. هر دانش آموز به هنگام ورزش کردن رفتارهای واقعی خود را به نمایش می گذارد، و این می تواند در شناخت

هر دانش آموز به هنگام ورزش کردن رفتارهای واقعی خود را به نمایش می گذارد، و این می تواند در شناخت کامل او مؤثر باشد. در این راستا نظرخواهی از معلم تربیت بدنی و یا مربی ورزشی دانش آموزان طی سال تحصیلی در مورد هر دانش آموز می تواند به شناخت آن ها کمک بیشتری نماید

دفترچه‌ایده‌ها کشف گنجینه‌ها

سعیده اصلاحی

نام کتاب: مربی شش دقیقه‌ای
مؤلف: پیرفرانک
مترجم: هما احمدی
نشر: درسا



آنان

پایدار و پیروزند.

کیفیت زندگی هرکس به

کیفیت افکارش بستگی دارد. اگر

تو به گونه‌ای فعال در ایجاد تغییرات

شرکت نکنی دیگران تو را به مرور تغییر

خواهند داد.

به موانع و محدودیت‌ها فکر نکن، زیرا این دو

زمانی وجود دارند که تو خود آن‌ها را بیافرینی...

در درونت جست‌وجو کن و اجازه بده هر آنچه که

می‌خواهد خود را نشان بدهد.

به موارد کوچک نیز توجه کن. هر چه هدف‌های بیشتری

بیایی، راحت مشخص‌تر و روشن‌تر خواهد بود. هدف‌هایت

را با دقت ببین؛ چه بزرگ و چه کوچک... چه قابل دستیابی

سریع و چه بسیار دور از دسترس... تصمیم‌گیری‌های مربوط

به هدف‌هایت، بخش مهم و محکم در زندگی‌ات هستند...



مطالعه ادامه این مطالب به شما همکاران عزیز

توصیه می‌شود.

به

زندگی‌ات نگاه

کن. آیا همان است که در

تصورات داشته‌ای؟

وقتی تصمیم گرفتی ایده‌های برجسته

ذهنت را دنبال کنی در طول روز آن ایده‌ها

را در یک دفترچه یادداشت کوچک بنویس و

دفترچه را همیشه همراه داشته باش.

این ایده‌ها به تو الهام می‌بخشند. مثل یک گفته

اخلاقی... یک رویداد کوچک... یک تصمیم تازه... یک

جرعه اندیشه.

پس از مدتی این دفترچه به یک منبع نیرومند الهام و

ایده مبدل خواهد شد.

در درون هر یک از افراد بشر، هزاران امکان وجود دارد...

و بی‌شمار گنجینه‌های نهفته... که فقط باید کشف شوند.

«تو» کاشف این گنجینه‌ها و معادن بی‌بدیل باش.

کشف کردن آن‌ها آسان است در صورتی که با پرسش‌های

درست آغاز کنی...

همه ایده‌های خوب، ارزشمندند... «تو» نیز...

تفاوت میان کسانی که ایده‌هایی دارند و آنان که

ایده‌هایشان را تحقق می‌بخشند تنها و تنها در تلاش

پیگیرانه نهفته است.

سال نور

آزیتا سیدفدایی
دکترای آموزش فیزیک

اشاره

سازمان علمی - فرهنگی ملل متحد (یونسکو) سال ۲۰۱۵ را «سال جهانی نور» اعلام کرده است. مراسم آغاز سال جهانی نور در سطح بین‌المللی و در کشور ما نیز برگزار شد که نویدبخش آغاز فعالیت‌های علمی آموزشی در سال ۲۰۱۵ است. مناسبت‌های علمی و بزرگداشت‌ها فرصتی مناسب برای همگام شدن با فعالیت‌های آموزشی نوین در زمینه آموزش و به‌خصوص موضوع نور است. برای کاربردی کردن اهداف سال جهانی نور و همسو شدن با تلاش‌های بین‌المللی در زمینه آموزش نور، در این مقاله اهداف آموزشی بین‌المللی در این سال را معرفی می‌کنیم. بدین منظور از علت و ضرورت طرح عنوان «سال نور» و اهداف کلی و آموزشی در این سال سخن خواهیم گفت. به این امید که با تأکید بر چنین الگویی بتوان طرح‌های آموزشی نوینی را با توجه به نیازهای ملی طراحی کرد.

تندیس این هیثم در مراسم آغاز سال جهانی نور در پاریس دی‌ماه سال ۱۳۹۳



اهمیت نور در سال جهانی نور

اکتشافات مربوط به نور و فناوری‌های مبتنی بر نور در تمام زمینه‌های زندگی انسان‌ها، اعم از کشاورزی، پزشکی، ارتباطات، هنر و فرهنگ و حتی فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی، نور را به عاملی کلیدی برای توسعه پایدار تبدیل کرده است تا جایی که می‌توان قرن ۲۱ را قرن «نور» نامید. امروزه نور و فوتونیک تمامی ابعاد زندگی بشر را، از گوشی‌های هوشمند، لپ‌تاپ‌ها و اینترنت گرفته تا ابزارهای پزشکی مبتنی بر نور در بر می‌گیرد. **با توجه به نقش اساسی نور و فناوری‌های مبتنی بر نور در زندگی بشر، یونسکو سال ۲۰۱۵ را «سال جهانی نور» نامیده و اهداف زیر را مورد توجه قرار داده است:**

- بهبود درک عموم از چگونگی ارتباط فناوری‌های نوری با زندگی انسان‌ها و محوریت این فناوری‌ها برای توسعه آینده جهان؛

- ایجاد شرایط آموزشی و علمی لازم برای جوانان و طرح مسائل مربوط به نور؛

- تمرکز بر اکتشافات قرن ۱۹ و ۲۰ که محوریت اصلی نور در دانش بشری را نشان داده است؛

- شناساندن اهمیت تحقیقات، هم در دانش بنیادی و هم در کاربرد نور و ترویج مشاغل در این زمینه؛

- ترویج اهمیت فناوری نور در توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی در کشورهای در حال توسعه؛

- شناساندن و توضیح پیوند نزدیک بین نور و هنر و فرهنگ و افزایش نقش فناوری نوری به‌منظور حفظ میراث فرهنگی.

در تمامی این موارد آموزش به‌صورت آشکار و یا پنهان نقش کلیدی دارد و در هر مورد فعالیت‌هایی طراحی و پیش‌بینی شده که از جمله می‌توان

به معرفی سال

جهانی

نور و ثبت فعالیت‌های

کشورهای مختلف و بررسی

میزان مشارکت آن‌ها در این مناسبت علمی اشاره کرد. این فعالیت بیشتر بر مبنای پژوهش در بررسی تأثیر یک مناسبت علمی بر روند پیشرفت‌های علمی و همسان‌سازی فعالیت‌های کشورهای مختلف طراحی شده و یکی از اهداف فعال کردن کشورها در سطح بین‌المللی و پیشرفت کل دنیاست. فعالیت دیگر، بیان ارزش نور در زندگی انسان‌ها و جوامع با هدف علاقه‌مند کردن نسل نو و قدم برداشتن در راه اختراعات و اکتشافات جدید است. این فعالیت براساس گسترش دانش و دانایی برای بیان اهمیت و جلب توجه مخترعان جوان برای پژوهش‌های آینده و معرفی علم به عامه است و جنبه ترویجی دارد.

بررسی مفاهیم نور در جنبه‌های مختلف فعالیت‌های دیگر است که در آن با نگرش علمی و تخصصی‌تر به علم و آموزش توجه شده است و می‌توان بر بعد و شیوه‌های بهینه آموزش نور و بررسی‌های علمی پدیده‌های نوری و تأکید بر اختراعات و فناوری‌های نوین در این زمینه اشاره کرد. این فعالیت‌ها راه را برای ظهور دانشمندان جوانی که در آینده نقش مهمی در ارتقای سطح زندگی و فناوری نوری خواهند داشت هموار می‌کند. بدیهی است هر پیشرفت علمی نیازمند برنامه‌ریزی‌های علمی و آموزشی از سال‌ها قبل، برای عامه مردم تا سطوح بالای دانشگاهی است. در طراحی این فعالیت‌ها لازم است پژوهشگران آموزش فیزیک با اتخاذ شیوه‌های نوین و جذاب‌تر آموزش این شرایط را فراهم آورند. برای آشنا شدن با فعالیت‌های طراحی‌های آموزشی مرتبط با نور نگاهی به طرح‌های کاربردی در سطح بین‌المللی می‌اندازیم تا بتوانیم از آن‌ها متناسب با اهداف و نیازهای آموزشی ملی بهره ببریم.

۱

آموزش تجربی نور

سال جهانی نور فرصتی برای تغییر ، وند آموزش سنتی به نوین و استفاده از آزمایش در آموزش است . فیزیک زبانی شیوا برای بیان قانون‌های حاکم بر جهان پیرامون ما؛ جهانی که سراسر شگفتی و زیبایی است. یکی از مشکلات در فهم فیزیک و تدریس آن، توجه نکردن به مشاهده پدیده‌های طبیعی همچون نور است. دانش‌آموزان و حتی گاهی معلمان (که خود نیز به همین شیوه آموزش دیده‌اند) محیط را با دید اکتشافی مشاهده نمی‌کنند. فیزیک، از مشاهده دقیق و کنجکاو آغاز می‌شود. عدم استفاده از روش‌های فعال تدریس، از جمله مشاهده محیط اطراف، به‌منظور کاوش علمی از مواردی است که این تفکر غلط را ایجاد می‌کند که تنها تعداد کمی از دانش‌آموزان قادر به درک و فهم فیزیک هستند، در صورتی که درک مفاهیم فیزیک و کاربرد آن‌ها در زندگی روزانه برای همه میسر است و با شیوه‌های آموزشی مناسب می‌توان درهای فهم و درک فیزیک را برای همه دانش‌آموزان، بدون توجه به توانایی علمی آن‌ها، باز کرد. انجام دادن فعالیت‌های آزمایشگاهی، علاوه بر تثبیت یادگیری و افزایش میزان ماندگاری مفاهیم آموخته شده، سبب دست‌ورزی و نیز کسب مهارت‌هایی می‌شود که در زندگی روزانه مورد استفاده قرار می‌گیرد و زمینه‌های نوآوری، خلاقیت و تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان فراهم می‌کند. با توجه به اهداف سال جهانی نور و تدوین فعالیت‌هایی در این راستا تأکید خاصی بر روی آموزش نور از طریق آزمایش، که در اولین گام با مشاهده شروع می‌شود، شده است. در این سال در فضای مجازی مقالات علمی ساده، مواد آموزشی و برخی فعالیت‌های دست‌ورزی با رویکردهای نوین آموزشی را به مشارکت گذاشته‌اند.

۲

آموزش نور و نجوم

در سال جهانی نور با معرفی منابع علمی و دسترسی به آن‌ها، به‌ویژه در فضای مجازی، زمینه‌ای فراهم شده است تا اطلاعات مردم نسبت به موضوع نجوم افزایش یابد. تصاویر ماهواره‌ای و تلسکوپی از کهکشان‌ها دستاوردی از فعالیت‌ها و اختراعات بشر در زمینه نور است. بخشی از فعالیت‌های این سال به ترغیب مردم در مورد این بخش از اکتشافات بشری می‌پردازد. به‌عنوان مثال طراحی و ساخت کیت از ابزاری که گالیله (گالیلوئوسکوپ) با آن بسیاری از اکتشافات نوری و نجومی خود را انجام داد یکی از این موارد است. با گالیلوئوسکوپ افراد می‌توانند کشفیات نجومی را که بشر از حدود ۴۰۰ سال پیش تاکنون به آن‌ها دست یافته است، خود دریابند.

۴

آموزش نور و تاریخ علم

آموزش فیزیک موضوعی است که نیاز به محمل مناسب برای بیان تفکرات علمی و روش‌شناسی علمی دارد. بیان تاریخ علم یکی از این راهکارهاست. بیان فعالیت‌ها و زندگی علمی **ابن هیثم** در سال جهانی نور فرصتی مناسب برای این رویکرد است. عنوان «پتیک عربی» و به تعبیر ما «نورشناسی عربی» عنوانی است که در سال جهانی نور مطرح شده تا از فعالیت‌های ابن هیثم، به‌عنوان پدر نورشناسی نوین در زمینه نور و نظریه نوری، تقدیر شود. یکی از دلایل نامگذاری این سال به سال جهانی نور، هزارمین سال نشر رساله ابن هیثم است. ابن هیثم نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری دانش بینایی‌سنجی و آزمایش‌های تجربی نور و استفاده از روش‌شناسی علمی دارد. او اولین دانشمندی بود که بیان درستی از دیدن و مشاهده اجسام مطرح و به‌طور تجربی ثابت کرد که ما می‌بینیم چون نور از اجسام به چشم ما می‌تابد و نه برعکس؛ چنان‌که ارسطو می‌گفت. کار دیگری که وی برای اولین بار انجام داد استفاده از ریاضیات برای توضیح و اثبات این فرایند بود. در نتیجه ابن هیثم را می‌توان فیزیکدانی نظری هم دانست. از دیگر کارهای او اختراع اتاق تاریک (و در واقع دوربین بدون عدسی) و نیز کشف کیفی قانون‌های شکست است. او هم‌چنین اولین آزمایش‌ها را روی پدیده تجزیه نور به رنگ‌های تشکیل‌دهنده‌اش انجام داد و سایه‌ها، رنگین‌کمان و خسوف را بررسی کرد و با دیدن چگونگی شکست نور در جو، توانست تخمین خوبی از ارتفاع جو زمین به‌دست آورد. این ارتفاع، طبق محاسبات او، حدود یکصد کیلومتر بود.

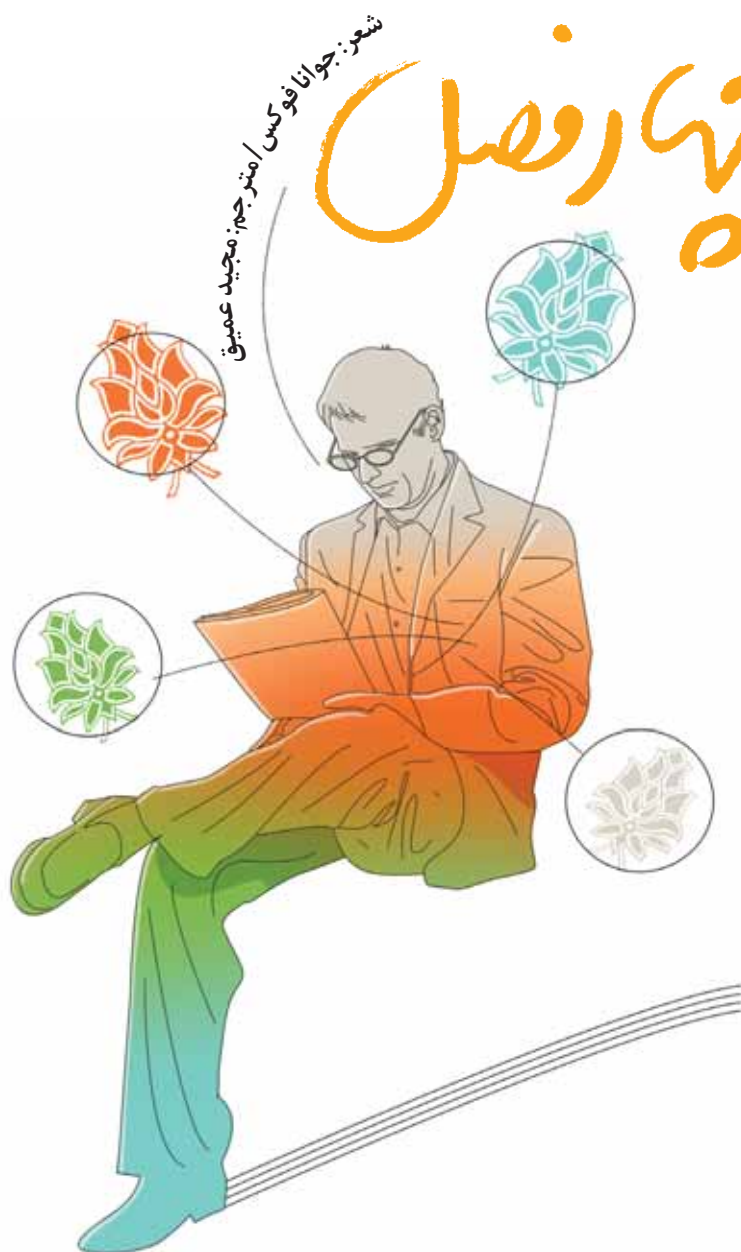
۳

آموزش نور و توسعه پایدار

آموزش برای توسعه پایدار، طرحی است که هدف آن توانمندسازی مردم در پذیرش مسئولیت برای ایجاد آینده‌ای پایدار است. آموزش، با توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی موضوع، ابزار اصلی این طرح است. این برنامه حدود ۳۳ مقوله را در بر می‌گیرد که برخی از آن‌ها عبارت است از: حاکمیت مناسب، تساوی جنسیتی، صلح، حقوق بشر، دسترسی به آموزش، مبارزه با مواد مخدر، حفظ میراث فرهنگی، دانش سنتی و بومی، شهرنشینی، فقر و امنیت غذایی، تغییرات آب‌وهوا، بلایای طبیعی و موارد دیگر. در سال جهانی نور با رویکردی بینارشته‌ای فرصت برای بررسی مشکلات در این زمینه‌ها فراهم است.

حدود چهارده مورد از آثار

ابن هیثم مربوط به نورشناسی است. یکی از دهانه‌های آتش‌فشانی کره ماه را به افتخار وی الهازن (الحسن) نامیده‌اند و سیارک الهازن ۵۹۲۳۹ نیز به افتخار او نامگذاری شده است. آشنایی با سال جهانی نور و اهداف و فعالیت‌های بین‌المللی می‌تواند زمینه را برای طراحی این فعالیت‌ها در محدوده جغرافیایی کشورهای مختلف فراهم کند. هر کشور، براساس نیازها و امکانات خود، می‌تواند برنامه‌ریزی‌های هدفمندی را برای پیشبرد اهداف ترسیم شده در سال نور طراحی کند. ما امیدواریم این مقاله بتواند انگیزه‌هایی را برای فعالیت‌های آموزشی در زمینه نور و فناوری‌های مبتنی بر آن، در ایران، ایجاد کند.



شعر: جوانافوکس / مترجم: مجید عمیق

معلم چه فصل

معلم مانند بهار است؛
جوانه‌های نورس و سبز را پرورش می‌دهد
و ترغیب‌کننده و راهبر آن‌هاست،
و در تردیدها و دودلی‌ها به آن‌ها آرامش می‌دهد

معلم مانند تابستان است،
رفتارش گرمابخش است
از نارضایتی‌ها جلوگیری می‌کند
و یادگیری‌اش لذت‌بخش است

معلم مانند پاییز است،
با درس‌هایی از همه رنگ
با روش‌های تر و تازه و روشن
فضایی خلق می‌کند شاد و بی‌نیاز

معلم مانند زمستان است
در حالی که بیرون برف می‌بارد و هوا پرسوز است
او گرما و آرامش را به دانش‌آموزان هدیه می‌کند
او همچون یک مربی مهربان و دلسوز است

تو ای معلم! همه این کارها را انجام می‌دهی؛
با رفتار و منش دلپذیرت
تو معلم همه فصل‌هایی.
سپاس از راه‌ورسم دل‌نشین‌ات

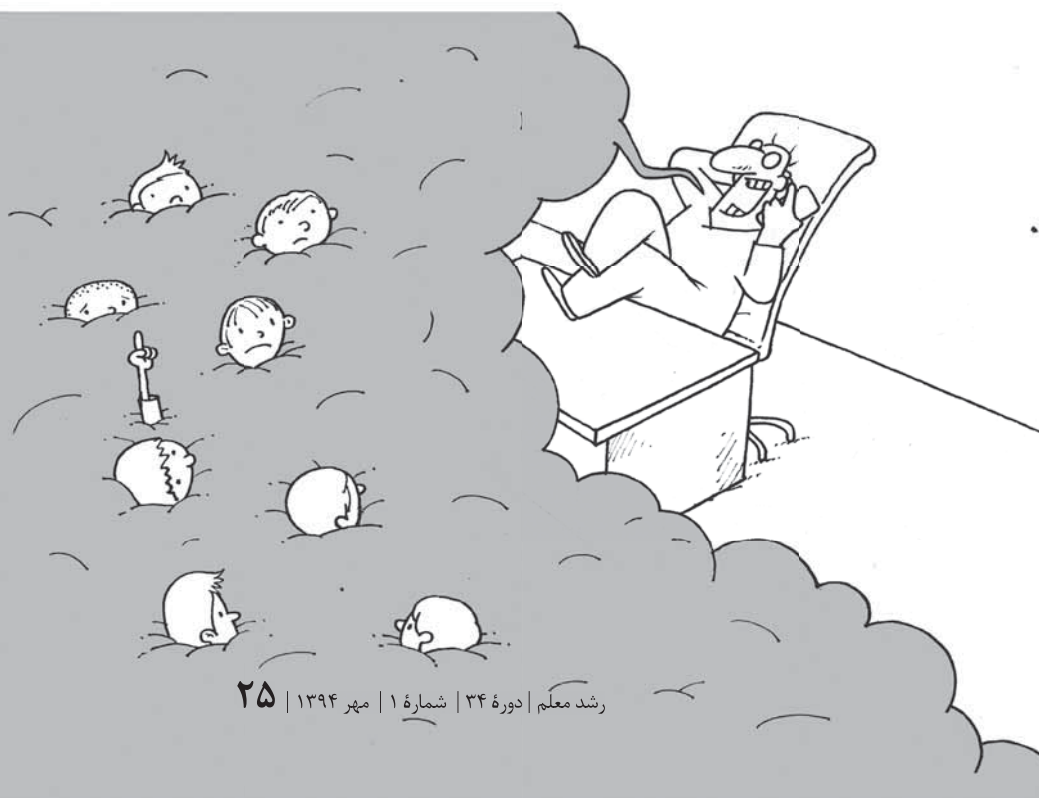
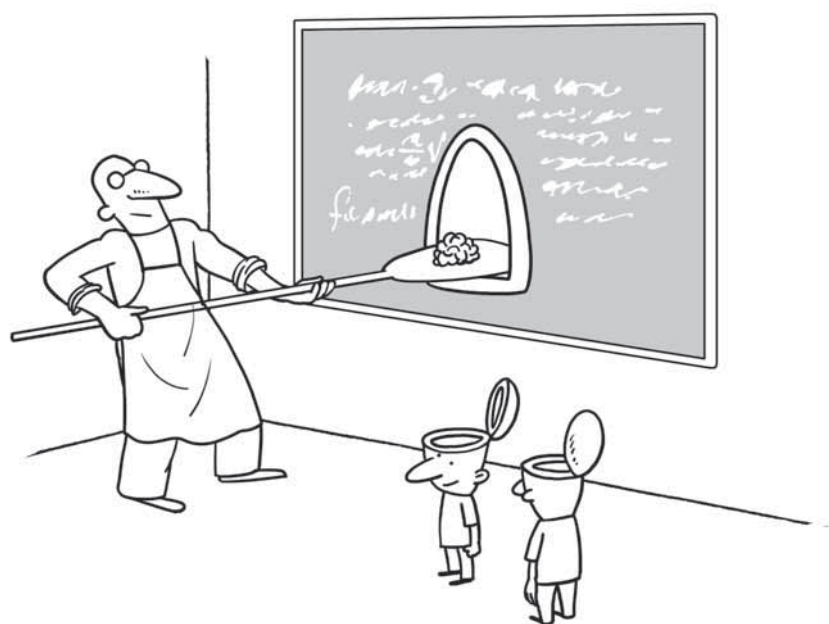
سخن شاعر

من سالیانی دانش‌آموز بوده‌ام و سالیانی است که معلم هستم.
بعضی وقت‌ها دانش‌آموزانم از من قدردانی و تحسینم می‌کنند.
می‌فهمم این به خاطر آن است که با جان و دل تدریس و با شور
و شوق درباره موضوعی صحبت می‌کنم؛ ... تدریس واقعا می‌تواند
لذت‌بخش باشد؛ اگر شما هم به موضوع درس علاقه‌مند باشید.

معلمان ناجی!

طراح: ابوالفضل محترمی





پیامکی برای دلت

سعیده اصلاحی

پیامکی برای دلت

*** عشق درآمد از درم، دست نهاد بر سرم
دید مرا که بی توام، گفت مرا که وای تو...

مولانا

در دنیا به ازای هر گل رایحه‌ای آفریده‌اند
و هر باغی را به باغبانی سپرده‌اند. هر
غنچه‌ای از باغبانش نور و نوازش و عشق
طلب می‌کند.

کلاس تو، مزرعه گل‌های آفتابگردان
است. آن‌ها تو را خورشید می‌بینند و
به هر طرف که قدم بگذاری به سمت
تو می‌چرخند. به لیخندت شادند و به
حضورت دلگرم.

ای باغبان مهربان آفتابگردان‌ها و
شمعدانی‌ها! و ای دستانت سرشار از
گل‌های قرمز در باغ‌ها، صبور باش، گل را
با خارهایش ببذیر، با هر چه رنج و زخم،
عاشقانه کنار بیا و گلدان دنیا را نورباران
کن ...

مذهب عاشق ز مذهب‌ها جداست
عشق، اسطراب اسرار خداست

مولانا*



مردی تشنه به دیوار بلندی رسید که در آن سویش جویباری زلال جریان داشت. به بالای دیوار رفت. خشتی از دیوار جدا کرد و در آب انداخت. صدای افتادن خشت در آب جویبار برایش مثل موسیقی، دلنشین و آرام بخش بود. پس یک یک خشت ها را از دیوار می کند و در آب می انداخت تا دیوار از میان برداشته شود و او موفق به نوشیدن آب گردد. ناگهان صدایی شنید. گویا جویبار به او می گفت: ای مرد تشنه! چرا دیوار را به یکباره خراب نمی کنی تا سریع تر سیراب شوی؟

مرد تشنه پاسخ داد: این کار دو فایده دارد. اول اینکه شنیدن آوای آب برای کسی که تشنه است مثل گوش سپردن به نغمه ای دلنشین و روح نواز است؛ نغمه ای که زندگی می بخشد و خزان را بهار می سازد.

فایده دوم این است که با هر خشتی که من از دیوار جدا می کنم قدمی به آب جویبار نزدیک تر می شوم. گویا دیوار نیز دره ذره در مقابل آب سجد می کند و به من یادآوری می کند که برای نجات از جسم خاکی باید به خالق آب حیات سجد کرد.

کسی که تنها به سیراب شدن فکر کند به سرعت دیوار را خراب می کند اما تشنه ای که عاشق شنیدن صدای آب است آهسته آهسته این حجاب را از میان برمی دارد.

مهربان معلم من! ای که تشنه آموختن و سیراب کردنی. عاشق باش و تا نیرو و توان داری، خشت های دیوارها و موانع را یکی یکی فرو فکن!

در آن سوی این دیوارها، آب حیات در انتظار توست...

بر لب جو بود دیواری بلند
بر سر دیوار، تشنه دردمند
مانعش از آب آن دیوار بود
از پی آب، او چو ماهی زار بود
ناگهان انداخت او خشتی در آب
بانگ آب آمد به گوشش این خطاب:
آب می زد بانگ؛ یعنی هی تو را
فایده چه، زین زدن خشتی مرا؟
تشنه گفت: آباء مرا دو فایده ست
من از این صنعت ندارم هیچ دست
فایده اول سماع بانگ آب

کو بود مر تشنگان را چون رباب
فایده دیگر که هر خشتی کزین برکنم، آیم سوی ماء معین
تا که این دیوار، عالی گردن ست
مانع این سر فرود آوردن ست
سجده نتوان کرد بر آب حیات
تا نیابم زین تن خاکی نجات...

ترانه های تنهایی

الهی در دل ما جز تخم محبت نکار و بر این جان ها جز الطاف و مرحمت مدار و بر این کشت ها جز باران رحمت مبار. الهی تا آموختن را آموختم، آموخته را جمله سوختم، اندوخته را برانداختم و انداخته را بیاندوختم، نیست را بفروختم تا هست را بیفروختم.

ما را سر سودای کس دیگر نیست
در عشق تو، پروای کس دیگر نیست
جز تو دگری جای نگیرد در دل
دل جای تو شد جای کس دیگر نیست
ای درویش جهد کن که مردی شوی و صاحب تجربت و دردی شوی.

حق تعالی خواست قدرت بیند عالم آفرید، خواست صورت خویش بیند آدم آفرید.
آدمی را مظهر آثار و قدرت و حکمت خود ساخت و او را به شرافت عقل و علم و منطق بناوخت. آنکه از معرفت حق دور است نه آدمی بلکه ستور است...

مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری

این نکته رمز اگر بدانی، دانی
هر چیز که اندر پی آنی، آنی

مولانا

و خدایی که در این نزدیکی ست

یا ذا الجود و النعم... یا ذا الفضل و الکریم... یا خالق اللوح و القلم...
خدایا به عالی ترین مراتب عزت، به شریف ترین مراتب شرافت، به نیکوترین احسان هایت، به گرامی ترین آیات و به محبوب ترین حاجاتی که برآوردی؛ از تو درخواست می کنم که مرا نیز اجابت فرمایی... ای شروع هر ستایشی، حمد تو...
از دعای ابو حمزه ثمالی.



تربیت معلم در ایران و جهان

گزارش اولین همایش ملی تربیت معلم

گزارش: محمد دشتی



اولین همایش ملی تربیت معلم روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴ در محل پردیس تربیت معلم نسیبه تهران برگزار شد. اهداف این همایش از سوی دانشگاه فرهنگیان به شرح زیر اعلام شده بود.

★ ایجاد فرصت برای تضارب آراء، بسط دانش بومی و به اشتراک گذاری تجارب و دیدگاه‌های صاحب‌نظران تربیت معلم در سطح ملی؛

★ ایجاد فرصت برای بازخوانی انتقادی سنت‌های تربیت معلم در ایران و جهان؛

★ ایجاد بستر برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در تربیت معلم و دست‌یابی به کیفیت برتر؛

★ کمک به رسمیت یافتن تربیت معلم به‌عنوان یک عرصه تخصصی در جامعه علمی ایران.

در این همایش صاحب‌نظران و اندیشمندان از جمله دکتر محمود مهرمحمدی، دکتر خسرو باقری، حجت‌الاسلام دکتر حمید پارسانیا، دکتر علی رجالی، دکتر عباس صدری و دکتر رضا ساکی سخنرانی‌هایی ایراد کردند که به لحاظ محدودیت صفحات مجله تنها سخنان دکتر مهرمحمدی، رئیس همایش، به دلیل اهمیت بیان سیاست‌های مورد نظر در حوزه تعلیم و تربیت و نیز گزارش میزگرد علمی این همایش به لحاظ آشنا شدن مخاطبان و خوانندگان عزیز مجله با تجارب جهانی در این حوزه تقدیم حضورتان می‌شود.

فرهنگیان باشد، زیرا یکی از وظایف دانشگاه فرهنگیان زمینه‌سازی برای جریان اندیشه‌ورزی در تربیت معلم است. وی گفت: بحث‌هایی که امروز مطرح شد سازنده و قابل تأمل بود و نشان از این داشت که عده‌ای علاقه‌مندند تا در مورد تربیت معلم بیندیشند. سپس ادامه داد: امروز جنس بحث من مدیریتی و روایتی است از آنچه که تاکنون به عنوان مدیر تجربه کرده‌ام و امیدوارم بازگویی این تجربیات منجر به گشایش‌های بیشتر و رفع موانع برای رسیدن به کیفیتی شود که برای

زمینه‌سازی برای جریان اندیشه‌ورزی در تربیت معلم

دکتر محمود مهرمحمدی، سرپرست دانشگاه فرهنگیان و رئیس اولین همایش ملی تربیت معلم، با بیان اینکه



تربیت معلم به‌عنوان یک مسئله جدی علمی در کشور مورد توجه قرار گرفته است، گفت: برگزاری این همایش نشانه‌ای از این توجه است و امیدوارم شروع یک جریان علمی در دانشگاه

**یکی از وظایف
دانشگاه
فرهنگیان
زمینه سازی
برای جریان
اندیشه‌ورزی در
تربیت معلم است**

و آموزشی، استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس و سرپرست دانشگاه فرهنگیان- **دکتر محمدرضا سرکارآرانی**- استاد تمام دانشگاه تیکیوی ژاپن؛ و استاد وابسته دانشگاه تهران- **دکتر خلیل غلامی**- دارای دکترای برنامه‌ریزی آموزشی از دانشگاه هلسینکی فنلاند- و **دکتر محرم آقازاده**- کارشناس آموزش و پرورش ایالت آلبرتا کانادا و دارای دکترای برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه تربیت معلم- و نیز با حضور **دکتر مقدم** برگزار شد.

کیفیت هیچ نظام آموزشی

بالاتر از کیفیت معلمان نیست

در ابتدای این میزگرد، دکتر آقازاده به موضوع تربیت معلم در شهر آلبرتا کانادا پرداخت و گفت: در آلبرتا این عقیده وجود دارد که کیفیت هیچ نظام آموزشی بالاتر از کیفیت معلمان نیست.



وی با بیان اینکه سه نوع تربیت معلم در کانادا وجود دارد، گفت: نوع اول «تربیت معلم برای تدریس» است که برای نظام تربیتی ایدئولوژیک مناسب است، نوع دوم «برای مدیریت یادگیری» است که برای نظام تربیتی ایدئولوژیک و غیرایدئولوژیک مناسب است و نوع سوم «تربیت معلم برای رهایی بخشی» است که برای نظام‌های غیرایدئولوژیک مناسب است.

دکتر آقازاده، به تقسیم‌بندی آموزش و پرورش در کانادا اشاره کرد و گفت: آموزش و پرورش در کانادا به دو بخش آموزش ابتدایی و آموزش متوسطه تقسیم می‌شود. برنامه درسی در کانادا به صورت استانی دیده شده و تحصیل از پیش دبستانی تا ۱۶ سالگی در اکثر استان‌ها اجباری است. ۹۱ درصد از جمعیت ۲۵ تا ۳۴ ساله کانادا دوره متوسطه را به اتمام رسانده‌اند.

وی با بیان اینکه بیش از ۵۵ نهاد دانشگاهی در کانادا به تربیت معلم می‌پردازند، اظهار کرد: اولین نهاد تربیت معلم در کانادا در سال ۱۸۳۷ میلادی شکل گرفته است. در دهه ۱۹۷۰ آموزش معلم به دانشگاه‌ها واگذار شد و اکنون تربیت معلم به دو صورت عمومی (آموزش ابتدایی) و اختصاصی (آموزش متوسطه) انجام می‌شود.

دکتر آقازاده با بیان اینکه افراد در کانادا برای معلم شدن باید از سه مسیر عمده عبور کنند، توضیح داد: مسیر اول مسیر متوالی است که متقاضی باید دارای مدرک کارشناسی باشد و بین هشت ماه تا دو سال دوره تربیت معلم را سپری کند، مسیر دوم مسیر همزمان است که طبق آن متقاضی به‌طور همزمان دانشجوی و معلم است و

تربیت معلم مدنظر است.

دکتر مهرمحمدی افزود: دانشگاه فرهنگیان نهادی نفیس و فاخر در مجموعه آموزش عالی کشور و رکن تحول و تعالی در آموزش و پرورش در جریان تثبیت و توسعه است و من در اینجا، نگاهی به مهم‌ترین دستاوردها می‌کنم تا روشن شود تلاش‌های به‌عمل آمده توسط دست‌اندرکاران بی‌ثمر نبوده و ما به نتایج خوبی رسیده‌ایم.

سرپرست دانشگاه فرهنگیان، با بیان اینکه تفویض اختیار از اقداماتی است که در دانشگاه انجام شده، افزود: ما سعی کردیم با تفویض اختیار هرچه بیشتر به استان‌ها و رؤسای پردیس‌ها جایگاهی را تعریف کنیم که امکان مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری بیشتر شود. این اقدام عملیاتی شده و از امسال اجرا خواهد شد.

وی، افزود: همچنین تأسیس دو پژوهشکده در دانشگاه فرهنگیان از اقدامات مهم قابل ذکر دیگر است؛ و من به این دلیل از واژه «تأسیس» استفاده می‌کنم که در پیشینه تربیت معلم، تاکنون پژوهش غایب بوده است. هر چه در پژوهش تربیت معلم رخ دهد جنس تأسیس دارد.

دکتر مهرمحمدی در ادامه به بیان برخی چالش‌های مدیریتی در دانشگاه پرداخت و گفت: در واقع هر دستگاهی با چالش‌های ریز و درشتی مواجه است که در برنامه راهبردی‌اش در مورد راهکارهای مواجهه با این چالش‌ها اندیشه می‌کند؛ نگرانی من در مورد چالش‌ها از این بابت است که امکان رفع برخی از آن‌ها در کوتاه‌مدت وجود ندارد، و یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها برای ما آشکار شدن نشانه‌هایی از امتناع از به رسمیت شناختن دانشگاه به عنوان یک نهاد تمام و کمال آموزش عالی در وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش است. سرپرست دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر اینکه شکاف گسترده میان «انتظارات» و «منابع»، چالش دیگر ما در این دانشگاه است، توضیح داد: با وجود اینکه افزایش خوبی در بودجه دانشگاه فرهنگیان اتفاق افتاده و برای این امر باید از نمایندگان محترم مجلس، دولت محترم و آموزش و پرورش تشکر کنیم اما رشد بودجه با انتظاراتی که جامعه از دانشگاه دارد سازگار نیست. دانشگاه برای برنامه‌های توسعه خود با یکصد میلیارد تومان کسری بودجه مواجه است.

میزگرد علمی «تجارب جهانی

تربیت معلم»

میزگرد علمی «تجارب جهانی تربیت معلم» در نوبت عصر همایش با حضور **دکتر محمود مهرمحمدی**- دارای دکترای برنامه‌ریزی درسی



**تسلط به زبان
انگلیسی و زبان
فرانسه، داشتن
مدرک دوره
تخصصی خاص،
تجربه، علاقه و
آمادگی از شروط
پذیرش است**

مسیر سوم کارشناس ارشد نام دارد که متقاضیان به مدت دو سال دوره مطالعاتی می‌گذرانند. وی در مورد نحوه پذیرش معلمان در کانادا نیز گفت: ۶۵ تا ۹۵ درصد افراد به صورت رقابتی پذیرفته می‌شوند و تسلط به زبان انگلیسی و زبان فرانسه، داشتن مدرک دوره تخصصی خاص، تجربه، علاقه و آمادگی از شروط پذیرش است.

تربیت معلم در اونتاریو کانادا

در ادامه دکتر مقدم به موضوع تربیت معلم در اونتاریو، از استان‌های کانادا، اشاره کرد و گفت: کانادا به ۱۰ استان تقسیم شده و هر استان در امور خود به صورت مستقل تصمیم‌گیری می‌کند، اونتاریو یکی از استان‌های کانادا دارای سه دوره مختلف ابتدایی اول و ابتدایی دوم (کودکستان تا پایه ششم)، ابتدایی دوم و متوسطه اول (پایه چهارم تا دهم) و متوسطه اول و متوسطه دوم (پایه هفتم تا دوازدهم) است. در برنامه تربیت معلم اونتاریو افراد باید در دو دوره متوالی پذیرفته شوند.

وی با بیان اینکه دانشکده‌های علوم تربیتی وظیفه انتخاب و آموزش معلمان را برعهده دارند، توضیح داد: این دانشکده‌ها ابتدا از افرادی که متقاضی معلمی هستند پورتفولیو (مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و کارهای خلاقانه فردی به منظور نشان دادن توانایی فردی برای کارفرما) دریافت می‌کنند، سپس پورتفولیو را در کمیته‌ای بررسی می‌کنند و امتیاز می‌دهند و سرانجام افراد انتخاب شده به دانشکده‌های علوم تربیتی معرفی می‌شوند و آموزش می‌بینند.

تربیت معلم در فنلاند

دکتر غلامی نیز به موضوع تربیت معلم در فنلاند پرداخت و گفت: نظام برنامه درسی جامع فنلاند یک سند بالادستی برای مدیریت و سازماندهی نظام مدرسه‌ای است. این نظام در سال ۱۹۷۰ منتشر و در سال ۱۹۹۰ دچار اصلاحات اساسی شد. در فنلاند شهرداری‌های محلی مسئول تنظیم برنامه درسی محلی و مدارس مسئول برنامه درسی مدرسه‌محور هستند.

وی با تأکید بر اینکه نظام تربیت مدرس فنلاند موفق بوده است، اظهار کرد: معلمی در فنلاند کاری حرفه‌ای و دارای جایگاه اجتماعی بسیار بالاست. ورود به تربیت معلم در این کشور بسیار سخت بوده و شایسته‌ترین افراد به این حرفه روی

می‌آورند.

دکتر غلامی با بیان اینکه ۷۰ درصد معلمان در کشور فنلاند خانم‌ها هستند، ادامه داد: حداقل مدرک برای معلمی در فنلاند کارشناسی ارشد است و معلمان طی آزمون‌های چند مرحله‌ای انتخاب می‌شوند.

تربیت معلم در کره جنوبی

در ادامه دکتر مهرمحمدی به نحوه تربیت معلم در کشور کره جنوبی اشاره کرده و گفت: آنچه در مورد کره جنوبی و فضای تعلیم و تربیت آن مطرح می‌شود این است که چیزی تحت عنوان «تب تعلیم و تربیت» در این کشور وجود داشته و سابقه‌ای چهاردهه‌ای دارد.

سرپرست دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر اینکه کره جنوبی در این کار به توفیقات خوبی رسیده است، افزود: طی چند دهه، کشور کره جنوبی، با توجه به شاخص‌های توسعه اقتصادی و صنعتی از یک کشور عقب‌افتاده به یک کشور برجسته تبدیل شد، زیرا این کشور به این باور رسید که تعلیم و تربیت نقش زیربنایی در توسعه دارد.

مهرمحمدی با بیان اینکه تب تعلیم و تربیت در کشور کره جنوبی با انتقادهای فراوانی روبه‌رو شده است، توضیح داد: منتقدان باور دارند فشار زیادی روی دانش‌آموزان کره‌ای وجود دارد و دانش‌آموزان در فرآیندی مسابقه‌وار استرس فراوانی را تحمل می‌کنند.

وی در ادامه به نقاط قوت در تربیت معلم کره جنوبی اشاره کرد و گفت: نهادسازی و شکل‌گیری اتاق‌های فکر متعدد در یک فرآیند تکاملی و تدریجی، وجود سندیکاهای معلمان و اعتماد به معلمان از سوی حاکمیت، مشارکت گسترده در ارتباط تربیت معلم دوره متوسطه، انگیزه‌های پیوستن به عرصه معلمی و ماندن در آن، امکانات و تسهیلاتی که در اختیار معلمان برای توسعه حرفه‌ای آن‌ها قرار داده می‌شود، استحکام دولتی و... از نقاط قوت تربیت معلم در کره جنوبی است.

تربیت معلم در کشور ژاپن

در پایان دکتر سرکارآرانی به نحوه تربیت معلم در کشور ژاپن اشاره کرد و گفت: تربیت معلم در کشور ژاپن امری فرهنگی است.

وی بر اهمیت و قدرت نهادهای صنفی در ژاپن تأکید کرد و گفت: هنگامی که



**هنگامی که
تغییری در
کتاب‌های
درسی ژاپن رخ
می‌دهد قبل از
همه نهادهای
صنفی معلمان
هستند که آن
را نقد می‌کنند و
خانواده‌ها به این
نهادها اعتماد
کامل دارند زیرا
نهادهای صنفی
بهترین دوره‌های
تخصصی را
برگزار می‌کنند**

در این دو واحد درسی تلاش می‌شود دانشجویان به درکی تازه از معلمی، به معنی صحنه‌پردازی یادگیری دانش‌آموزان، دست یابند. یعنی طراحی (Design). شون می‌گوید: طراحی یعنی گفت‌وگوی فکروانه با موقعیت. با مسائل، با مواد آموزشی، با دانش‌آموزان، با زمان و مکان و شرایط روانی محیط، با محتوا و هدف و موقعیت و خیلی چیزهای دیگر که البته خودتان می‌دانید. دو واحد درسی هم مطالعات برنامه درسی (Curriculum Studies) است. البته نه صرفاً یادآوری نظریه‌ها بلکه تمرین چگونگی سازمان‌دهی و توسعه برنامه درسی در مدرسه و در عمل.

دو واحد دیگر هم روش‌های پژوهش است. با تأکید بر به‌کارگیری نتایج آن به مثابه مواد آموزشی. مراد از مواد آموزشی در اینجا یعنی هر آنچه می‌تواند دانش روشمند موضوعات درسی و محتوای کتاب‌های درسی را با موقعیت محلی، فردی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان مرتبط سازد (Customized Teaching) و یادگیری فرد فرد آن‌ها را به نحو اثربخشی تسهیل و تعمیق کند (Personalized Learning). منظور هر یافته‌ای است که بتواند از زندگی روزمره دانش‌آموزان به‌دست آید و بین این دو (محتوا و دانش‌آموز) نقش پل ارتباطی داشته باشد و یادگیری را شوق‌انگیز و سازنده کند؛ به تعبیر آشنای خودمان: دانش محتوایی پداگوژی (Pedagogical Content Knowledge).

دکتر سرکارآرانی در ادامه گفت: گذراندن این واحدها برای دانشجویان الزامی است و بدون موفقیت در آن‌ها گواهی‌نامه معلمی صادر نمی‌شود. نکته‌ای را هم اینجا اضافه کنم و آن اینکه سرفصل‌ها، محتوا و صلاحیت معلم واحدهای معینی از برنامه‌های درسی تربیت‌معلم را هم الزاماً باید وزارت علوم تأیید کند.

دانش موضوعی یا محتوایی (Content Knowledge) مانند آموزش ریاضی، آموزش علوم، آموزش زبان و... که به‌صورت واحدهای اختصاصی ارائه می‌شود، هر کدام سرفصل و سیلابس خاص خودشان را دارند و دست‌کم در سه سال اول سیال تحصیلی ارائه می‌شوند. دانشجویان عموماً از سال چهارم می‌توانند وارد دوره سه تا چهار هفته‌ای کارورزی شوند. کارورزی باید قبل از امتحان معلمی تمام شده باشد.

تغییری در کتاب‌های درسی ژاپن رخ می‌دهد قبل از همه نهادهای صنفی معلمان هستند که آن را نقد می‌کنند و خانواده‌ها به این نهادها اعتماد کامل دارند زیرا نهادهای صنفی بهترین دوره‌های تخصصی را برگزار می‌کنند.

وی افزود: در ساختار برنامه‌های درسی تربیت‌معلم ژاپن مشابهت‌هایی با ساختار تربیت‌معلم در ایران، می‌توان یافت. دانشجوی معلمان واحدهای اصلی و انتخابی می‌گذرانند، به بازدید از مدرسه و کلاس درس می‌روند، کارورزی دارند و...

در دانشگاه تیکیو (توکیو، ژاپن) دانشجویان تا پایان سال دوم و قبل از اینکه در سال سوم به کارورزی بروند، در کنار سایر دروس بسته واحدهای درس پژوهی را نیز می‌گذرانند.

وی درخصوص بسته «واحد درس پژوهی» هم گفت: این بسته شامل دو واحد درس پژوهی است که به ماهیت درس پژوهی یا همان پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس می‌پردازد. دو واحد درس پژوهی‌های مشاهده کلاس درس است که معمولاً در فاصله روزهایی که دانشگاه تعطیل و مدارس باز است انجام می‌شود. این دو واحد در یک هفته و به‌صورت تمام‌وقت در مدرسه انجام می‌شود و دو جلسه پایانی کلاس به جمع‌بندی و ارائه یافته‌های دانشجویان در دانشگاه اختصاص دارد. دانشجویان در هر روز کاری این هفته به‌صورت مشارکتی به مشاهده کلاس‌های درس در پایه‌ها و نیز بررسی موضوعات درسی گوناگون می‌پردازند و آن‌ها را مستند کرده و تجزیه و تحلیل می‌کنند و نتیجه کار خود را در دو جلسه پایانی کلاس که در دانشگاه برگزار می‌شود گزارش می‌کنند. دو واحد درسی هم روش‌های تدریس و آموزش یا همان (Teaching Methods) است.

دو واحد درسی هم اصول و مبانی آموزش است. دانشجویان در این درس به‌صورت عمیق می‌آموزد که اساساً معلمی (Teaching) چیست و در فرایند نوسازی اجتماعی جایگاه معلم چرا و چگونه تغییر می‌کند. همچنین می‌آموزد که منظور از Mcdonaldization of Teaching یا مک‌دونالدی کردن آموزش چیست و چگونه ممکن است معلمی به ماشین آموزش تقلیل یابد. و یا اینکه نقش تولید انبوه بسته‌های مواد آموزشی یکسان در نقش و جایگاه معلم چیست؟ آیا فناوری‌های نوین و ربات‌های فکور می‌توانند جای معلم‌ها را بگیرند؟



تقلب!!

شکوفه راستگو
دبیر منطقه ۳، شیراز



معمولاً به بچه‌ها می‌گوییم که این برگه امتحان، از طرف من، امانت در دست شماست و به‌منظور ارزشیابی فردی تهیه شده، لطفاً امانتداری کنید!

در مقابل دانش‌آموزان ایستاده‌ای. همه منتظرند از اندک غفلت تو برای رد و بدل کردن برگه‌ای یا پرسیدن سؤالی استفاده کنند. به این شکل در مقابل دانش‌آموزان قرار گرفتن حس بدی در تو ایجاد کرده است. تو معلمی، نه نگهبان دانش‌آموزان... احساس می‌کنی جایگاهت زیر سؤال رفته است.

به خودت می‌گویی چرا؟ چرا من مجبورم در این جایگاه بایستم؟

یکی دو نفر را جابه‌جا می‌کنی. خودت جابه‌جا می‌شوی و در کنار دانش‌آموزی که حس می‌کنی در پی پرسیدن سؤالی از دوستش است می‌ایستی. با خودت می‌گویی مراقب بیرونی فایده ندارد، مراقب باید در درون باشد. متوجه می‌شوی که در آن گوشه کلاس یکی برگه‌اش را جلو صورتش گرفته است و نفر پشت سری هم تند و تند در حال نوشتن از روی برگه اوست. به آرامی قدم می‌زنی، دستانت را بر شانه‌هایش می‌گذاری و با محبت می‌گویی: دخترم...! می‌خندد و می‌گوید: «خانم گناه دارد؛ تورو خدا بگذارید کمکش کنم.» پشت سری با خنده می‌گوید «خانم دلتون میاد من بیفتم؟»

جلسه که تمام می‌شود همچنان حس بد مراقبت را نمی‌توانی از خودت دور کنی. درگیری ذهنی‌ات را با چند نفر از معلمان، که البته در مقاطع مختلف مشغول‌اند، در میان می‌گذاری. هر کس چیزی می‌گوید:

– اشکال اینه که برخی همکاران در مقابل رفتار بچه‌ها تسلیم‌اند! البته حق هم دارند، چون رؤسای ما به درصد قبولی بیشتر اهمیت میدن تا به یادگیری واقعی!

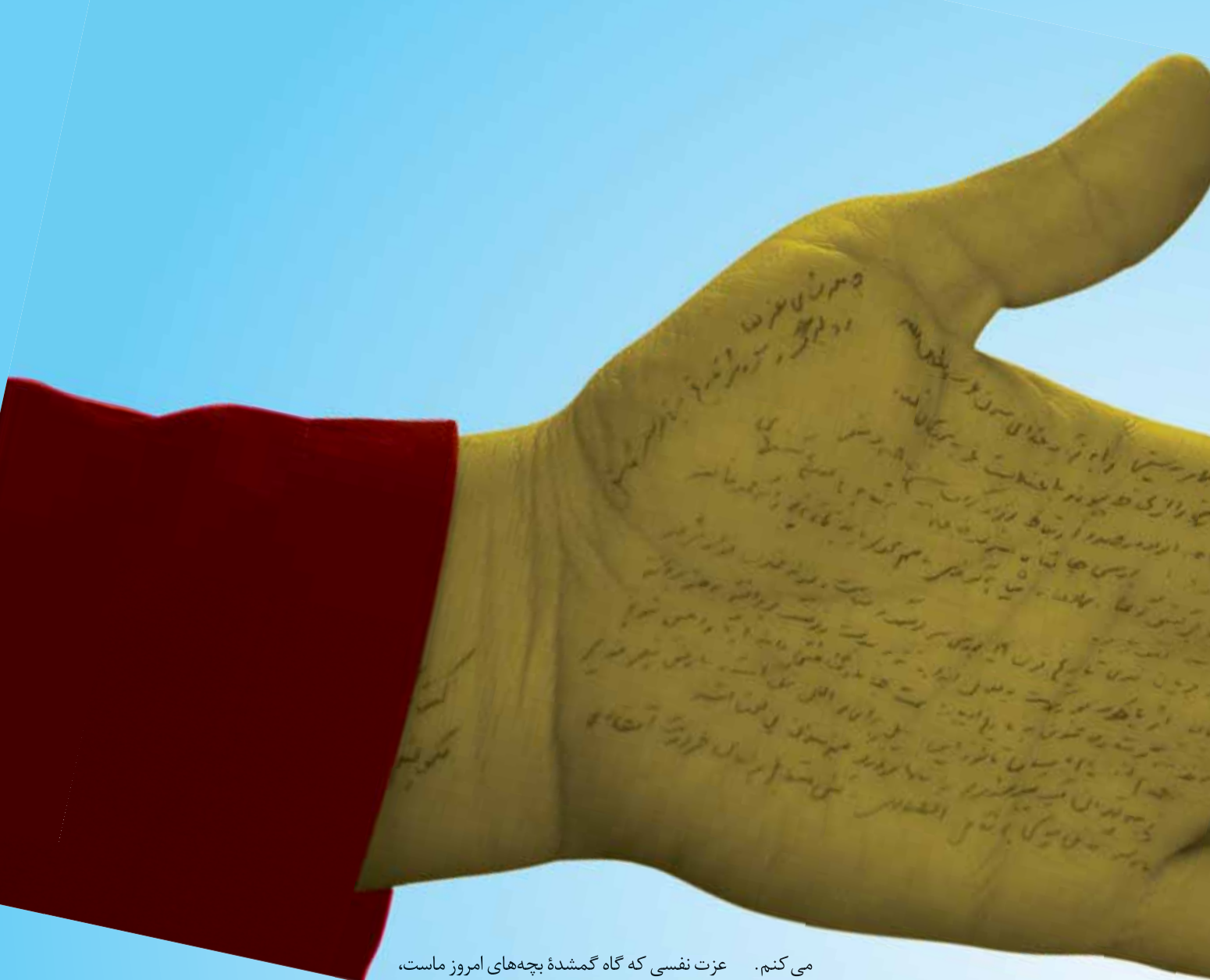
– زمان ما معلم‌ها برگه‌های سؤالات را می‌دادند و خودشان از کلاس بیرون می‌رفتند. هیچ‌کس

به خودش اجازه نمی‌داد اعتماد معلم‌ها را خدشه‌دار

کند. یعنی یک رابطه دو جانبه بود... اعتماد کامل از سوی معلم، و رعایت صداقت از سوی دانش‌آموزان! – قبول دارید که با زمان ما خیلی تفاوت کرده؟ یعنی تقلب اصلاً، به نوعی، سبک زندگی بچه‌ها شده و آن را حتی عدم صداقت نمی‌دانند؟

– من سرکلاسم به بچه‌های ابتدایی که گاهی می‌گن: خانم! فلانی می‌خواد تقلب بکنه! می‌گم: اشکال نداره؛ در عوض خودش چیزی یاد نمی‌گیره! چون اگر نمره‌ش خوب بشه من متوجه نمی‌شم چی رو بلد نیست که بهش یاد بدم. یعنی سعی می‌کنم بدی تقلب رو این‌جوری نشونش بدم که در آخر به ضرر خودشونه!!

– قبول دارید بعضی وقت‌ها تقلب یه نوع یادگیریه؟ دانش‌آموز چیزی را که تقلب کرده یاد می‌گیره. من سر امتحانات کلاسی سعی می‌کنم اولش خیلی قاطع جزوه‌ها و کیف‌ها جمع بشه اما بعدش ره‌اشون



می‌کنم.
تا به کم تقلب کنند و حتی مشورت؛
اما نه برای امتحان پایانی!
- اما به نظر من فرصت دادن به بچه‌ها برای تقلب درست نیست. من فکر می‌کنم آسیب اخلاقی تقلب کردن خیلی بیشتر از سود یادگیری چهار کلمه بیشتر است.
- میشه امتحان را به شکل گروهی، کتاب باز و... گرفت. این‌طوری اون یادگیری هم که مدنظر شماست اتفاق می‌فته.
- یا حتی برگه کوچکی را با اسم خود دانش‌آموزان، یک جلسه قبل از امتحان بدهیم و از آن‌ها بخواهیم هر مطلبی را که برای امتحان لازم دارند با خودشان سر جلسه بیاورند.
- به نظر من تقلب در مدرسه از تقلب در جامعه نشئت می‌گیرد. بچه وقتی در بیرون از مدرسه می‌بیند چه جور مشکلات اداری، اقتصادی، فرهنگی با تقلب حل می‌شود ناخلف باشد اگر جای بزرگ‌ترها نگذارد!
- موافقم! هر چه قدر هم ما زحمت بکشیم بچه‌ها عملاً خلاف آن را در جامعه تجربه می‌کنند. آن

عزت نفسی که گاه گمشده بچه‌های امروز ماست، در وجود ما از کودکی نهادینه می‌شد. شیطنت بود، تقلب هم... اما اگر هم کسی تقلب می‌کرد ز رنگ و برنده تلقی نمی‌شد... دیگران حس خوبی نسبت به رفتارشان نداشتند.
- ما به زمانی کلاس‌های آموزش ضمن خدمت مربوط به تغییرات کتاب درسی می‌رفتیم که همگی معلم بودن ولی اومده بودن دوره کامل رو ببینند. سر جلسه امتحان متأسفانه اغلب تقلب می‌کردند. یه نفرشون که قبل از شروع امتحان علناً داشت رو دسته صندلیش تند تند می‌نوشت. من بهشون اعتراض کردم و گفتم اگر همین کار رو دانش‌آموزتون انجام بده چه کار می‌کنید؟ گفت ای بابا این درس‌ها که به درد ما نمی‌خوره!
- من معمولاً به بچه‌ها می‌گویم که این برگه امتحان، از طرف من، امانت در دست شماست و به‌منظور ارزشیابی فردی تهیه شده، لطفاً امانتداری کنید! ولی خب به‌نظرم مشکل اصلی همون اولاً الگوهای نادرست و ثانیاً نداشتن عزت نفس و حس کرامت به‌اندازه کافی است.
شما چه فکر می‌کنید؟!



سخنرانی کوتاه

لیلی محمدحسین

می‌دهد برعهده می‌گیرد. به عبارت دیگر، فراهم آوردن شرایطی در کلاس که در آن دانش‌آموزان بتوانند بر مفاهیم درسی تسلط یابند در کلاس کارگاهی میسر است. در این نوع کلاس معلم می‌تواند، متمرکز بر فرد فرد دانش‌آموزان، فرایند یادگیری در کلاس را دنبال کند. می‌تواند با توجه به نیازهای متفاوت دانش‌آموزان به آن‌ها رسیدگی کند تا کلاس برای همه دانش‌آموزان مفید باشد. کلاس کارگاهی خیلی شبیه به کلاس‌های ورزشی است که دانش‌آموزان در بخش عمده‌ای از کلاس فعال‌اند و کارهایی را انجام می‌دهند. در کلاس کارگاهی، بخش اعظم کار را دانش‌آموزان انجام می‌دهند و معلم فرصت دارد تا دانش‌آموزان را مشاهده کند و لحظه به لحظه به آن‌ها بازخورد دهد.

روال یک کلاس کارگاهی آن را از یک کلاس معمولی که بخش عمده کار را معلم انجام می‌دهد، متمایز می‌سازد. ساختار یک کلاس کارگاهی که برای آموزش هر محتوایی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد از قرار زیر است:

سخنرانی را کوتاه کنید و به میزان یادگیری بیافزایید.

رویکرد کارگاهی در کلاس درس رویکردی دانش‌آموز محور است که به دانش‌آموزان به عنوان یادگیرندگان فعال احترام می‌گذارد. مدل کلاس کارگاهی چارچوب و ساختاری ایجاد می‌کند که فراگیران از هر سنی که باشند «به‌تنهایی و باهم» کار می‌کنند تا علایق و مهارت‌های‌شان را رشد دهند؛ خیلی شبیه به افراد حرفه‌ای در رشته‌های مختلف علوم، ریاضی، نویسندگی و هنری در محل کارشان. معلمی که کلاس خود را به صورت کارگاهی اجرا می‌کند قصد دارد تا آنجا که ممکن است کلاسی شبیه به دنیای واقعی داشته باشد، همان‌گونه که یک آزمایشگاه علوم، یک استودیوی هنری و یا یک مرکز فرهنگی محبوب نویسندگان عمل می‌کند. رویکرد کارگاهی دانش‌آموزان را تبدیل به یادگیرندگان مستقل، مبتکر و پرمایه می‌کند. کلید اصلی کلاس کارگاهی در این است که دانش‌آموز کاملاً مسئولیت کاری را که انجام

۱ شروع کلاس

معلم تکلیفی خواندنی، نوشتنی یا انجام دادنی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا آن را به‌طور مستقل انجام دهند. انجام این تکلیف بیش از ۵ دقیقه طول نمی‌کشد و دانش‌آموزان را برای یادگیری مفهوم یا مهارت جدید آماده می‌سازد. درواقع این تکلیف مفهوم اصلی درس جدید و ارتباط آن را با درس گذشته دربرمی‌گیرد.

۲ درس کوتاه

معلم به یکی از روش‌های زیر و برای کل کلاس، آموزشی را به طور مستقیم و روشن به مدت ۱۰ الی ۱۵ دقیقه توضیح می‌دهد:

★ خواندن یک متن مشترک برای نشان دادن راهبرد خواندن (مهارت خواندن متون علمی برای دریافت اطلاعات مهارتی است که در هر موضوع درسی برای دانش‌آموزان ضروری است).
★ خواندن و بلند فکر کردن برای یک منظور خاص (در واقع معلم برای دانش‌آموزان الگو می‌شود و به آن‌ها نشان می‌دهد که در برخورد با متن باید چگونه فکر کنند و چه سؤال‌هایی را مطرح سازند).

★ آموزش یک مفهوم اصلی به شیوه مستقیم؛

★ نشان دادن راهبرد نگارش متن یا روال حل مسئله؛

★ هدایت کردن دانش‌آموزان در یک فعالیت عملی یا (دستی)، مانند ساختن یک ماکت خاص، آموزش تکنیکی در نقاشی یا طراحی.

معلم چارچوب کاری را که قرار است انجام شود معرفی می‌کند و انتظاراتش را از دانش‌آموزان به این ترتیب بیان می‌کند:

★ مطلبی که در قسمت درس کوتاه آموزش داده شده است در انجام فعالیت به کار برید.

★ کار کامل چگونه کاری است، یا از نظر معلم چه کاری کامل است؟

۳ زمان کار مستقل

دانش‌آموزان به‌طور فردی، دوتا دوتا، یا در گروه‌های کوچک به مدت ۳۰ الی ۴۰ دقیقه کار می‌کنند. معلم ۲ یا ۳ دقیقه در کلاس می‌گردد تا مطمئن شود که همه فعالیت را متوجه شده‌اند و بعد:

★ با فرد فرد دانش‌آموزان چند دقیقه‌ای گفت‌وگو می‌کند و درباره نحوه عملکردشان یادداشت‌های مشروح می‌نویسد. همچنین درباره روند پیشرفت کارشان به آن‌ها بازخورد می‌دهد.

★ با گروه کوچکی از دانش‌آموزان به شیوه آموزش مستقیم کار می‌کند. ممکن است بعضی از دانش‌آموزان نیاز به آموزش بیشتر درباره مطالب ارائه شده در بخش درس کوتاه داشته باشند. معلم این آموزش را به گروه‌های کوچک ارائه می‌دهد درحالی که دانش‌آموزان دیگر به کار خود ادامه می‌دهند.

۴ زمان به اشتراک‌گذاری کارها و جمع‌بندی

معلم دوباره کلاس را جمع می‌کند تا:

★ روی کار یک یا دو دانش‌آموزی که آموزش ارائه شده در درس کوتاه را مورد استفاده قرار داده‌اند، تمرکز کند و روش کار آن‌ها را همراه دانش‌آموزان دیگر تحلیل کند.

★ مفهوم اصلی درس روز را جمع‌بندی کند. این جمع‌بندی بهتر است به کمک دانش‌آموزان انجام شود.

★ ارزیابی پایانی را برای بررسی درک تک تک دانش‌آموزان از درس اجرا کند. این ارزیابی ممکن است با استفاده از یک تکلیف نوشتنی کوتاه انجام شود.

★ تکلیف خانه را تعیین کند. معمولاً جمع‌بندی بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه طول می‌کشد.

مطلوب این است که تولیدات دانش‌آموزان از یک کلاس کارگاهی در یک رویداد واقعی مانند یک نمایشگاه یا مجله دانش‌آموزی در معرض دید دیگران قرار گیرد. بدین ترتیب کار دانش‌آموزان در کارگاه یک هدف واقعی پیدا می‌کند و انگیزه کار در آنان تقویت می‌شود.

* منابع

1. <http://kavodel-ementary.org/the-workshop-model/1>
2. http://www.educationworld.com/a_curr/minimize-lecture-workshop-model.shtml
3. <http://www.minds-in-bloom.com/2014/02/the-workshop-model-tips-and-strategies.html>

مشاوره مدرسه‌ای

معلمان و
ارکان مدرسه

احمد مختاریان



برای وی الزام‌آور نخواهد بود و او مجاز است تا در آن نظر یا پیشنهاد تغییراتی را اعمال نماید و یا به کلی آن را مردود بداند. اما شورا در قالب تصمیم‌گیرنده ظاهر می‌شود. تصمیم‌ها و مصوبه‌های شورا لازم‌الاجراست و هیچ یک از اعضای شورا حتی نمی‌تواند با این استدلال که از مخالفان مصوبه بوده است از اجرای آن و یا حمایت از آن سر باز زند. نمونه بارز شورا در جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی است. مصوبات این شورا (قوانین) برای همگان لازم‌الاتباع است و حتی نمایندگانی که هنگام رأی‌گیری، در مورد یک موضوع، در مجلس حضور نداشته‌اند و یا به آن رأی مخالف یا ممتنع داده‌اند مجاز به سرپیچی از آن و یا تضعیف آن نیستند. مصوبات هر شورا، فقط به وسیله همان شورا و یا مقام صلاحیت‌دار بالاتر قابل نسخ و یا نقض است.

«شورای مدرسه» نیز یکی از ارکان تصمیم‌گیرنده در امور مدرسه است و مصوبات و تصمیمات آن بیانگر نظر همه اعضای شورا بوده و لازم‌الاجراست.

در آخرین شماره سال گذشته، بررسی ارکان مدرسه و چگونگی ارتباط معلمان با این ارکان را با عنوان «مدیر مدرسه» آغاز نمودیم. اکنون به بررسی دومین رکن مدرسه یعنی «شورای مدرسه» می‌پردازیم.

در جهان امروز، موفقیت بر پایه کار جمعی و دریافت نظر متخصصان ذی‌ربط حاصل می‌شود، به گونه‌ای که بی‌توجهی به این امر، یکی از مهم‌ترین علل شکست هر نهاد، سازمان یا تشکیلات است.

«شورا» یکی از مهم‌ترین و بارزترین نمونه‌های کار جمعی در سازمان‌های اداری و نهادهای مدنی و اجتماعی است. شورا عبارت است از مجموعه‌ای از اشخاص دارای صلاحیت که درباره امور مربوط به خود تصمیم‌گیری می‌کنند. بنابراین تصمیمات مجموعه بیانگر نظر آن جمع می‌باشد. مهم‌ترین تفاوت میان «مشاوره و مشورت» با «شورا» آن است که: مشاوره و مشورت در قالب ارائه نظر و پیشنهاد خودنمایی می‌کند. نظر و پیشنهادی که به مشورت گیرنده داده می‌شود



ترکیب اعضای شورای مدرسه

- مدیر مدرسه؛
- کلیه معاونین مدرسه؛
- یک نفر از مربیان امور تربیتی یا مشاوران مدرسه؛ به انتخاب مربیان و مشاوران مدرسه؛
- نکته مهم در اینجا این است که انتخاب این عضو مستلزم کامل بودن ترکیب معلمان و مشاوران سال آینده تحصیلی است و قبل از تشکیل شورای مدرسه باید فرایند انتخاب وی انجام شده باشد.
- نماینده شورای معلمان؛ این انتخاب نیز باید پیشاپیش صورت گرفته باشد.
- نماینده انجمن اولیا و مربیان به انتخاب انجمن.

این انتخاب نیز باید قبلاً صورت گرفته باشد. با توجه به روح حاکم بر شورای مدرسه به نظر می‌رسد وزارت آموزش و پرورش و نیز ادارات کل می‌بایست زمینه‌های لازم برای تشکیل به هنگام شوراهای مدارس را فراهم نمایند. در هر مدرسه، تعیین معلمان و به ویژه برگزاری انتخابات انجمن اولیا و مربیان نباید به مهرماه یا آبان ماه موکول شود، زیرا این امر مستلزم عدم حضور نماینده معلمان و نیز نماینده انجمن در شورای مدرسه خواهد بود و با توجه به حساسیت فوق‌العاده دو ماه آغازین سال تحصیلی در شکل‌گیری صحیح فعالیت‌های مدرسه، تأخیر در دو امر فوق می‌تواند زمینه ساز مشکلات برای مدرسه و بلامتکلیفی امور و نیز وارد آمدن آسیب به جایگاه آیین‌نامه اجرایی مدارس گردد. لذا به نظر می‌رسد ماده ۱۲ آیین‌نامه منجر به نقض غرض خواهد بود و اصلاح آن در بهبود روند فعالیت‌های مدرسه تأثیر به سزایی خواهد داشت.

اکنون با توجه به «آیین‌نامه اجرایی مدارس، ابلاغ شده در تاریخ ۱۳۷۹/۶/۷» به بررسی «شورای مدرسه» می‌پردازیم.

مواد ۱۰ تا ۱۴ آیین‌نامه مزبور به شورای مدرسه اختصاص دارد. از جمله، ماده ۱۰ تشکیل شورای مدرسه را در راستای سیاست مدرسه محوری و تفویض اختیارات به مدارس دانسته و اهداف زیر را برای آن مطرح نموده است:

- توسعه و گسترش میزان مشارکت عوامل مؤثر در تربیت و تعلیم با جلب تجارب ایشان. این عوامل شامل معلمان و مربیان و اولیای دانش‌آموزان است. پس شورای مدرسه یکی از محیط‌های مناسب برای تبلور تأثیرگذاری تجربه‌های معلمان در امور آموزشی و تربیتی است؛
- بهبود فرایند تصمیم‌گیری در مدارس؛
- ارتقای کیفی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی؛
- ارتقای کیفی فعالیت‌های اداری مدرسه؛
- تدوین برنامه‌های سالانه مدارس؛ تدوین برنامه سالانه پیش از شروع سال تحصیلی رمز موفقیت یک مدرسه است. زیرا تدوین این برنامه مستلزم انتخاب و تعیین معلمان و دانش‌آموزان و نیروهای اجرایی مدرسه قبل از شروع سال تحصیلی است. به نظر می‌رسد بهترین زمان انتخاب معلمان میانه اردیبهشت ماه باشد.
- هماهنگی امور و نظارت بر فعالیت‌های مربوطه؛

وظایف اعضای شورا

براساس آنچه در آیین نامه اجرایی آمده است، شورای مدرسه بیست و نه (۲۹) وظیفه را برعهده دارد. از آنجا که ذکر همه این وظایف موجب طولانی شدن این مقاله می‌شود. تنها به ۶ مورد از مهم‌ترین آن‌ها و نیز بیان کلی روح حاکم بر آن‌ها می‌پردازیم:

۱. **مراقبت و نظارت بر فعالیت‌های مدرسه، در چارچوب اهداف مصوب دوره تحصیلی و مفاد این آیین‌نامه؛**

۲. **نظارت بر حسن اجرای مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی برای آموزش عواملی که آن مصوبات ناظر بر آنان است؛**

۳. **بررسی و تأیید برنامه سالانه مدرسه، پیشنهادهای شورای معلمان، پیشنهادهای انجمن اولیا و مربیان، برنامه‌های مربوط به مناسبت‌ها، مسابقات مدرسه، اردوها و بازدیدها، برنامه امتحانات، اعمال تشویق‌ها و تنبیه‌ها در مورد دانش‌آموزان، وضعیت لباس و وضعیت ظاهری دانش‌آموزان و...**

۴. **نظارت بر فرایند بودجه‌بندی برنامه درسی ارائه شده از سوی شورای معلمان؛**

۵. **بررسی مشکلات موردی دانش‌آموزان؛**

۶. **تصمیم‌گیری در مورد دایر بودن مدرسه در ایام تعطیلات رسمی و اوقات فراغت در زمینه امور فوق برنامه. این وظیفه به معنای مجاز بودن مدرسه در الزام دانش‌آموزان به حضور در مدرسه در چنین ابامی نیست. زیرا دایر بودن به معنای فراهم بودن امکانات برای حضور داوطلبانه دانش‌آموزان در مدرسه است نه حضور الزامی آنان.**

با توجه به موارد فوق می‌توان به طور سختگیرانه‌ای پذیرفت که یکی از ارکان قدرتمند و اعتباربخش به همه امور مدرسه شورای مدرسه است و به اصطلاح بدون مجوز شورا نمی‌توان حتی آب هم خورد*.

🟡 لازم به یادآوری است که شورا می‌تواند هر تصمیمی را که مغایر با ضوابط تشخیص دهد ملغی و بی‌اثر نماید. برای مثال؛ تصمیمات انجمن اولیا و مربیان زمانی معتبر و دارای ارزش خواهد بود که شورای مدرسه آن را تأیید نماید.

سایر موارد مرتبط با شورای مدرسه

- ریاست شورای مدرسه برعهده مدیر مدرسه است.
- مسئولیت اجرای تصمیمات شورا به وسیله اعضا تعیین می‌شود؛
- دستور جلسات شورا به وسیله اعضا تعیین می‌شود؛
- شورا دارای دبیری خواهد بود که از سوی اعضای شورا پیشنهاد و از میان آنان انتخاب می‌شود.
- شورا بایستی حداقل هر دو هفته یک بار تشکیل شود. متأسفانه رفتار رایج در مدارس باعث نگاه سرد به تشکیل جلسات شورا گردیده است. در حالیکه توجه به کثرت وظایف و اهمیت آن‌ها می‌تواند تشکیل هفتگی آن را به دنبال داشته باشد.
- شورا با حضور دو سوم اعضا رسمیت دارد؛

- رأی اکثریت حاضرین برای قابل اجرا شدن مصوبات شورا لازم است؛
- مصوبات شورا نباید با قوانین عادی کشور و ضوابط وزارت آموزش و پرورش مغایرت داشته باشد. امید است با تلاش و همت و همدلی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و مدارس سطح کشور شاهد شوراهای فعال‌تر و با نشاط‌تر و اثرگذارتری در سال تحصیلی جاری باشیم.

پی‌نوشت

* پیشنهاد می‌شود همه دست‌اندرکاران مدرسه، بحث فوق را در آیین‌نامه اجرایی با دقت دنبال نمایند.

مدرسه به مثابه اتاق فکر!

بسیج همگانی برای مصرف صحیح آب

سعیده باقری

نمونه بسیار خوبی از کل جامعه را در خود جای داده است.

به نظر می‌رسد ایجاد حساسیت عمومی نسبت به کمبود آب و مسائل مرتبط با آن در جامعه کوچکی که در آن زندگی یا فعالیت می‌کنیم بتواند گامی رو به جلو در این مسیر باشد. خانه و مدرسه دو جامعه کوچک هستند و ما در اینجا روی مدرسه تمرکز می‌کنیم.

هر مدرسه می‌تواند در ابتدای سال تحصیلی یک «اتاق فکر» با مشارکت تمام اعضای علاقه‌مند به «مسئله آب» تشکیل دهد. تشکیل این اتاق فکر می‌تواند از سوی مدیر یا یکی از معاونان یا معلمان در شورای مدرسه مطرح شود. پس از تشکیل این شورا افراد علاقه‌مند اعم از اولیا و مربیان و حتی دانش‌آموزان می‌توانند، از طریق همفکری و با توجه به شرایط و امکانات، برنامه‌هایی را برای اجرا در سطح مدرسه و یا حتی منطقه یا محله، به‌منظور بالا بردن حساسیت عمومی نسبت به مسئله کمبود آب و ایجاد فرهنگ استفاده بهینه از آب پیشنهاد کنند. این کار ضمن اینکه می‌تواند منظور اصلی ما، یعنی ایجاد تغییر مثبت در فرهنگ، را تأمین کند، می‌تواند به‌عنوان تأثیر جانبی نیز مانع از دلسرد شدن افرادی شود که به سبب دغدغه‌های فردی مدت‌ها جدا از هم تلاش کرده‌اند و چه بسا برخی از آن‌ها ناامید شده و دست از تلاش برداشته باشند. در این سلسله مطالب سعی خواهد شد تا پیشنهادهایی برای اجرا در مدارس با موقعیت‌های مختلف ارائه شود. مدارس کشور به سبب مجموعه شرایط و امکاناتی که دارند، متفاوتند، پس راهکارها نیز می‌تواند بسته به این شرایط متفاوت باشد. ان شاء الله در ادامه به موقعیت‌های متفاوت مدارس در مناطق روستایی کم‌آب، مناطق روستایی دارای منابع آبی قابل توجه، مدارس دولتی در شهرهای کوچک، مدارس دولتی در کلان‌شهرها، مدارس غیردولتی و نیز مجتمع‌های آموزشی غیردولتی خواهیم پرداخت.

بیشتر ما از مشکلاتی که در جامعه می‌بینیم شکایت داریم و تقریباً همیشه دیگران و به‌خصوص مسئولان را موظف به پیگیری و حل این مشکلات می‌دانیم، حال آنکه اغلب خودمان از مشکلاتی که در گروه‌های کوچکی که عضو آن‌ها هستیم وجود دارد غافلیم. به‌طور مثال از بی‌نظمی در سطح جامعه گله داریم در حالی که نمی‌توانیم در خانه خود که سهم عمده‌ای در اداره آن داریم نظمی برقرار کنیم. می‌دانیم یکی از مشکلات موجود، که همه از جدی بودن آن در سطح کشور و تک‌تک شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ آگاهیم، مسئله کمبود آب است؛ مسئله‌ای که سال‌هاست به‌طور مکرر راجع به آن خبرها و اطلاعیه‌هایی را از رسانه‌ها می‌شنویم یا می‌خوانیم اما طبق معمول کمتر پیش می‌آید خود و اطرافیان را مخاطب آن‌ها بدانیم.

توجه داشتن و احساس مسئولیت فردی نسبت به مسائلی چون درست مصرف کردن آب و همچنین انرژی، که به شدت با آن در ارتباط است، بسیار خوب است اما تا وقتی که به یک احساس مسئولیت جمعی تبدیل نشده باشد، کم‌اثر و در نتیجه بسیار دلسردکننده است. امر به معروف کردن و تذکر دادن به افرادی که در حال هدر دادن آب می‌بینیم هم هرچندگاهی اثرگذار است اما اغلب تأثیر بسیار کمی دارد زیرا نگرش و عادت‌های افراد را نمی‌توان با یک تذکر گذرا تغییر داد.

یکی از نهادهای بسیار تأثیرگذار در سطح جامعه، نهاد مدرسه است که اغلب از ظرفیت‌های آن غافلیم. مدرسه‌ها در تمام شهرها و روستاها گسترده‌اند و بیشتر خانواده‌های کشور با این نهاد در ارتباط مستقیم هستند. هر برنامه‌ای اگر در مدرسه‌ها جا باز کند، به سادگی می‌تواند به کل جامعه تسری پیدا کند. هر عادت‌ی که در فرهنگ روزمره مدرسه ایجاد شود می‌تواند به فرهنگ عمومی مردم تبدیل شود. دلیلش این است که مدرسه جامعه کوچکی است که

فرهنگی فداکار حسن صادقی

جعفر ربانی

تصویرگر: مرتضی یزدانی

«بانوی ریاضی جهان» معرفی شود. باری، چندی پس از آن سفرمان به مشهد اتفاقاً کتابی به دستم رسید با عنوان «خاطرات و مشقات یک فرهنگی فداکار» نوشته معلمی به نام حسن صادقی (مدیر)، اهل سرولایت نیشابور که در آن یادی نیز از شادروان رضا صادقی - نوۀ برادر حسن صادقی - شده بود. با مطالعه کتاب، حسن صادقی را از معلمان بزرگ و گمنامی یافتم که در گوشه‌ای از ایران عمر خود را به پای تعالی فرهنگ و گسترش آموزش و پرورش صرف کرده است و لذا لازم دیدم او را در شمار معلمان بزرگ ایران، معرفی کنم.

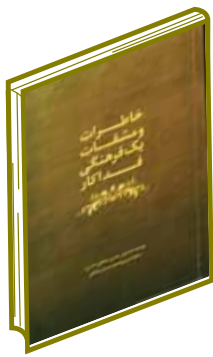
حسن صادقی، که او را بنیان‌گذار فرهنگ نوین در منطقه سرولایت نیشابور می‌دانند در روستای چکنۀ سفلی چشم به جهان گشود. پدرش حسین، مردی دانا و ادیب و هنرمند بود که چهار قرآن

اشاره

چند سال پیش در سفری که با همکاران به مشهد داشتیم به بازدید از دبیرستانی رفتیم. در آن دبیرستان یکی از دانش‌آموزان ممتاز سابق مدرسه را در تابلو اعلانات معرفی کرده بودند که **رضا صادقی** نام داشت و چند سال پیش‌تر در سانحه‌ای در گذشته بود. رضا صادقی دارای دو مدال طلا و نقره از دو المپیاد ریاضی جهان (هنگ‌کنک ۱۳۷۳ و تورنتوی کانادا ۱۳۷۴) و سپس دانشجوی رشته ریاضی محض دانشگاه صنعتی شریف بود. متأسفانه در سال ۱۳۷۶ او و شش تن از دوستانش، پس از شرکت در مسابقات ریاضیات دانشجویی، در بازگشت از اهواز دچار سانحه تصادف رانندگی شدند و همگی جان باختند. در آن سفر **مریم میرزاخانی** هم همراهشان بود ولی زنده ماند تا در سال ۱۳۹۳ به‌عنوان

نفیس به خط خوش نوشت و به یادگار گذاشت. حسن در شش سالگی به مکتب رفت و نزد ملاغلامحسین نامی فارسی و قرآن آموخت و به خوبی پیشرفت کرد. دو سال نیز در روستای کلاته فشای، در نزدیکی چکنه، نزد معلم باسوادی به نام میرزا جلال‌الدین مقدمات عربی و صرف و نحو را فرا گرفت. سپس پدرش او و برادرش ابوالقاسم را به قوچان فرستاد تا در دبستان جدید آنجا ادامه تحصیل دهند. در قوچان مدرسه‌ای ملی بود که سه برادر ترک، که خودشان در عشق‌آباد روسیه درس خوانده بودند آن را اداره می‌کردند. آن‌ها به روش جدید درس می‌دادند و بسیار زحمت کش بودند.

حسن صادقی تا کلاس ششم ابتدایی را در قوچان خواند، سپس چند سال در همان‌جا خواندن درس‌های حوزوی را ادامه داد. سرانجام به توصیه پدرش، در



توجه به کاردانی، حسن تدبیر و لیاقتش، با حفظ سمت مدیریت خود به نمایندگی آموزش و پرورش سرولایت منصوب شد. این امر موجب شد بیش از پیش به کار خود در تأسیس مدارس وسعت دهد. در کنار این گسترش کمی مدارس، حاصل کار صادقی از نظر کیفی هم شایان توجه بود. به قول خودش «محصلین دبستانی و دبیرستانی پیشرفت قابل ملاحظه نمودند و در خراسان فرهنگ سرولایت نمونه شناخته شد.

اطفال چکنه را در قوچان و نیشابور و مشهد، هر جا که تحصیل می کردند، دبیران، ضربالمثل قرار می دادند.»

بازنشستگی

حسن صادقی - معروف به مدیر - در سال ۱۳۳۷ از خدمت بازنشسته شد در حالی که توانسته بود ۳۵ دبستان و دو دبیرستان - همچنین کلاس اکابر برای بزرگسالان - تأسیس کند که ۷۵ نفر آموزگار در آن‌ها به کار مشغول بودند. دریغ که نمی توان در این صفحات اندک حق مطلب را درباره این معلم خدوم ادا کرد.

حسن صادقی عمری نسبتاً طولانی یافت و سرانجام در سال ۱۳۷۸ در سن ۹۲ سالگی به دیار باقی شتافت. خوشبختانه مردم سرولایت قدر او را می دانند و یاد او را هر ساله گرامی می دارند. یکی از پرورش یافتگان آن شادروان، فرزندش پروفسور حسین صادقی، جراح برجسته قلب است که فعلاً در سوئیس اقامت دارد. پروفسور صادقی هیچگاه ارتباط خود را با ایران و زبان و فرهنگ فارسی نگسسته و در زمینه خیام‌شناسی صاحب نظر است.

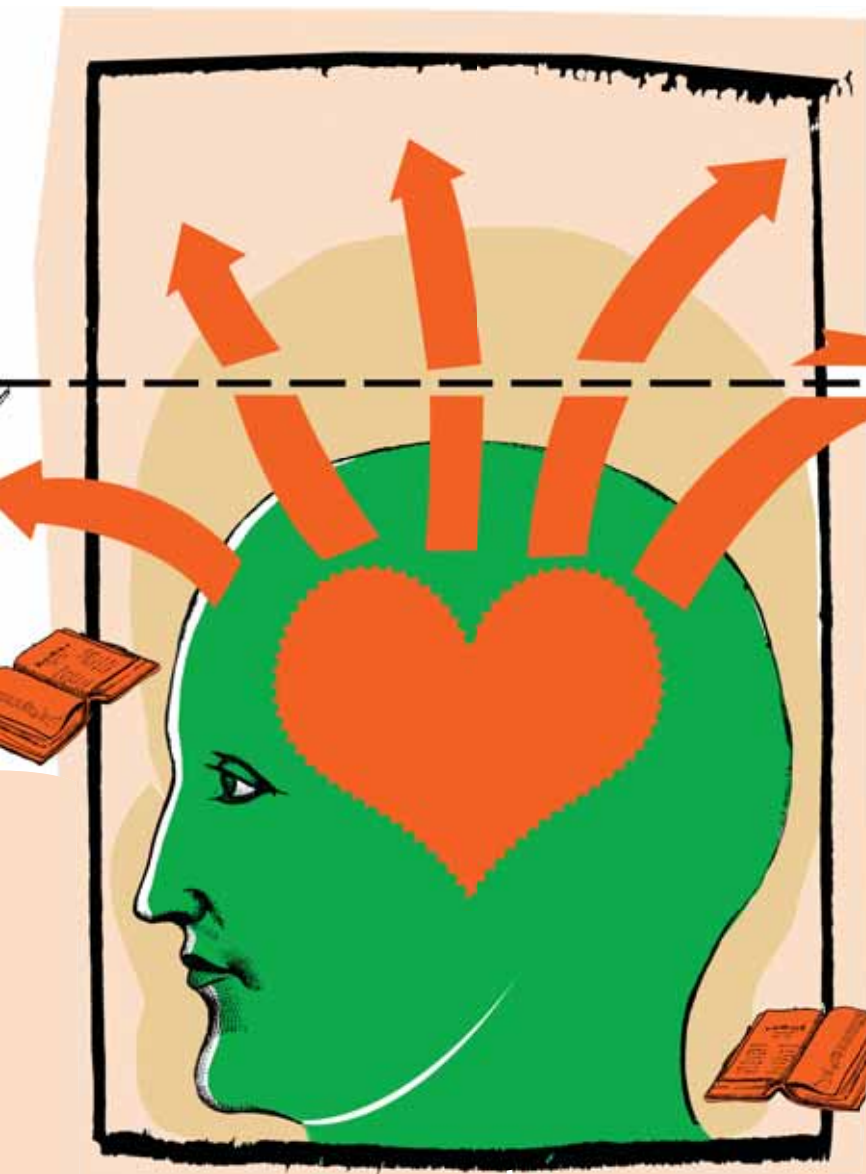
شادروان حسن صادقی در سال ۱۳۷۵ شروع به نگارش خاطرات خود با عنوان «خاطرات و مشقات یک فرهنگی فداکار» کرد و اثری ماندگار از خود به جا گذاشت. این کتاب را انتشارات شبینم دانش در تهران (۱۳۹۰) چاپ و منتشر کرده است.

شغل را قبول کردم و حالا هم بچه‌های شما را بدون دریافت حق الزحمه درس می‌دهم.» سرانجام او توانست بعد از یک سال ۳۳ دانش‌آموز جذب مدرسه کند و آن را راه بیندازد. چند سال بعد دانش‌آموزان به کلاس ششم رسیدند. چون همان‌جا حوزه امتحانی نداشت آنان را به قوچان یا نیشابور می‌فرستادند. اگرچه صادقی می‌گوید بچه‌ها «غالباً شاگرد اول یا ممتاز می‌شدند» اما کار به این سادگی نبود و مخالفت‌ها ادامه داشت. یک سال که ملخ‌ها به مزارع حمله کردند یکی از ریش‌سفیدان آن را عذاب خدا و ناشی از تأسیس مدرسه در روستا دانست و از مردم خواست بروند و پرچم مدرسه و به قول خودش بویداق (بیرق) مدرسه را پایین بکشند!

اما حسن صادقی امیدوار و با اراده بود و کار خودش را ادامه داد. او طوری در کارش موفق بود که در سال ۱۳۱۸ از او خواستند یا به مشهد برود و مدیر یک دبستان شود و یا نمایندگی فرهنگ در شیروان را بپذیرد، ولی او نپذیرفت و در همان‌جا ماند. در سال ۱۳۱۹ قطعه زمینی بزرگ خرید تا در آن دبستان بسازد اما با وقوع حوادث شهریور ۲۰ آمدن اشغالگران روسی به داخل خاک ایران، آن‌ها زمین را نیز تصرف کردند تا چند سال بعد که اشغال پایان یافت و صادقی توانست با کمک مردم محل مدرسه را بسازد. وی از آن پس بیش از پیش به مدرسه‌سازی رو آورد و توانست مدرسه‌هایی را نیز در روستاهای دیوانگاه، سلطان میدان، مشکان و... احداث کند. وی البته این کارها را با جلب حمایت رؤسای فرهنگ و جذب کمک‌های محلی انجام می‌داد.

در سال ۱۳۲۴، پا را فراتر گذاشت و یک دبیرستان سه کلاسه (تا کلاس نهم) نیز در چکنه تأسیس کرد تا دانش‌آموزان بتوانند در همان محل به تحصیلات دبیرستانی نیز بپردازند. صادقی در سال ۱۳۲۷، با

سن ۱۸ سالگی، در اداره دارایی سرولایت استخدام و مأمور جمع‌آوری مالیات شد. وی در همان جوانی از ارزش تحصیل غافل نبود و مخصوصاً علاقه داشت اطفال محلی به مدرسه بروند و درس بخوانند، ولی مدرسه‌ای وجود نداشت. دو سال بعد از اینکه در دارایی مشغول شده بود، روزی به پدرش، که نفوذی داشت - گفت که از دولت بخواهد دبستانی دولتی در چکنه سفلی تأسیس کنند. این پیشنهاد مؤثر واقع شد و اول از همه سرنوشت خود حسن صادقی را تغییر داد. غلامرضا خان بیات، حاکم نیشابور، او را خواست و گفت اکنون که قرار است دبستان در چکنه تأسیس شود بهتر است او از دارایی استعفا دهد و در همان مدرسه در شرف تأسیس، مدیر و معلم شود. بیات به او گفت: «از دارایی استعفا بدهید. خدمت در معارف برای شما اجر اخروی دارد.» حسن نیز پذیرفت و استعفا داد و معلم شد. بدین ترتیب چکنه اولین دهی بود در خراسان که در آن دبستان دولتی تأسیس شد. در آن زمان نیشابور خودش یک دبستان داشت! راه‌اندازی مدرسه کار ساده‌ای نبود. حسن صادقی نقل کرده است که چگونه برای آوردن میز و نیمکت و دیگر لوازم مدرسه، به نیشابور رفته و آن‌ها را بارگاری کرده و از راه خاکی و خراب آن زمان، و ترسان و لرزان از حمله راهزنان محلی، بالاخره آن وسایل را به چکنه رسانده و در خانه‌ای اجاره‌ای مدرسه را تأسیس کرده است. حسن صادقی خودش اعلامیه‌ای تهیه کرد و به در و دیوار روستا چسباند و از مردم دعوت کرد بچه‌هایشان را در مدرسه ثبت‌نام کنند. اما روز بعد دید اعلامیه را کنده و پاره کرده‌اند! پس مجلس روضه‌ای در خانه‌اش گذاشت و در آن راجع به ارزش و اهمیت مدرسه صحبت کرد و گفت: «می‌دانید که من در جلو چشمان شما در دارایی کار می‌کردم و نیاز به فرهنگ نداشتم. من برای باسواد نمودن فرزندان شما که اغلب با من منسوب هستند، این



مدیریت هوش هیجانی در مدرسه

نغمه برزگراسکندر کلایی

مقدمه

در جوامع امروزی دست یافتن به مدیریت‌های رفتاری، گفتاری و حتی مدیریت شیوه مطلوب زندگی مستلزم شناخت دقیق هوش هیجانی افراد و آموزش درست برای تعالی این مهم می‌باشد.

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، معمولاً سیستم‌های آموزشی و علمی، فنی و کاربردی و اجرایی و نمایشی به دنبال شناسایی افرادی بودند که از ضریب هوشی (IQ) بالایی برخوردار بودند اما مدتی نه‌چندان طولانی‌ست که در حیطه مهارت‌های انسانی تنها استعداد ذاتی جوابگوی تحولات و هیجانات اجتماعی نیست، زیرا جوامع امروزی بسیار متفاوت بوده و مسیر تحولات اجتماعی و یافتن جایگاه اجتماعی مطمئن و مناسب بسیار پیچیده شده است، بنابراین برای دستیابی به این امر مهم نیاز به شناخت دقیق هوش هیجانی (EQ) دانش‌آموزان و اهمیت مدیریت آن در مدارس است.

کلیدواژه‌ها

مدیریت گفتاری و رفتاری، مدیریت مدیریت شیوه مطلوب زندگی، تحولات و هیجانات اجتماعی، ضریب هوشی (IQ)، هوش هیجانی (EQ)، پرخاشگری

هوش هیجانی (EQ): (عاطفی)، توانایی برای مدیریت اضطراب و کنترل تنش‌ها و انگیزه، امیدواری و خوش‌بینی در مواجهه با موانع در راه رسیدن به هدف است (دنیل گولمن)^۱. با توجه به تعریف جامع و دقیق هوش هیجانی (عاطفی) یکی از مفاهیمی که بسیار از کارکنان آموزشی در مدارس با آن درگیر هستند کنترل تنش‌ها در راه رسیدن به هدف و یا به زبانی ساده‌تر پرخاشگری در نوجوانان می‌باشد. بنابراین برای جلوگیری و مهار این نوع رفتارها در نوجوانان نیازمند شناخت و آموزش دقیق هوش عاطفی می‌باشیم، زیرا هوش هیجانی (EQ) برخلاف هوش ذاتی (IQ) کاملاً اکتسابی است.

عوامل پر خاشگری

الف عوامل زیست‌شناختی مانند اختلال غده؛

ب عوامل روان‌شناختی، مانند افسردگی، الگوهای شخصیتی و تأثیر احساس گناه؛

پ عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی مانند خانواده، فقر تأثیرات الگویی، تأثیرات پاداش و تأیید اجتماعی و تأثیر وسایل ارتباط جمعی

مراحل مدیریت هوش

- ۱ شناخت دقیق دانش‌آموزان: شناخت رفتاری و شناسایی مهارت‌های دانش‌آموزان خود گامی مؤثر در مدیریت این امر می‌باشد.
- ۲ شناخت اولیای دانش‌آموزان: دست‌یافتن دقیق به اطلاعاتی جامع از اولیای دانش‌آموزان خود می‌تواند یکی از راهبردی‌ترین روش‌ها برای ارزیابی هوش هیجانی دانش‌آموز باشد.
- ۳ برقراری ارتباط عاطفی با دانش‌آموزانی که از هوش هیجانی پایینی برخوردارند. (نوجوانانی که ضعف در هوش هیجانی آن‌ها باعث رفتارهای پر خاشگرانه شده است).
- ۴ دادن مسئولیت‌های خاص به این دسته از دانش‌آموزان.

پیامدها در مدارس

- ۱ ایجاد اعتماد در نوجوان برای انتقال مشکلات و ضعف‌هایش به کارکنان آموزشی؛
- ۲ هدایت درست و صحیح متخصصان آموزشی در رشد و ارتقای صحیح هوش عاطفی در نوجوان؛
- ۳ کم‌رنگ شدن تنش‌ها و پر خاشگری نوجوانان در مدارس و کاهش آماری آسیب‌های جسمی و روحی؛
- ۴ تربیت نوجوانانی با توانایی بالای خودآگاهی (دانیل گولمن)؛
- ۵ تربیت و رشد نوجوانانی با توانمندی بالای مدیریت رابطه (فیلیپ کارتر) به معنای مدیریت هیجان‌ها و احساسات دیگران.

نوجوانان پر خاشگر

برای جلوگیری از پر خاشگری نوجوانان در مدارس، گام اول شناخت و ریشه‌یابی علت یا علل پر خاشگری است. وقتی فرد توسط دانش‌آموزان دیگر مورد تمسخر قرار گیرد. در این مواقع نوجوانی که هرگز مؤلفه قابل اعتماد بودن را تجربه نکرده بلافاصله با پر خاشگری عکس‌العمل نشان می‌دهد زیرا آن حس نارضایتی و تصورات منفی که از خود داشته به وسیله همسالانش تقویت و به یقین تبدیل می‌شود که خود عامل بسیار مؤثری برای بروز یک واکنش شدید است. وقتی فردی توسط دانش‌آموزان دیگر کتک بخورد و قادر به دفاع از خود نباشد: این دسته از نوجوانان معمولاً در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که در موارد بی‌شماری مورد تنبیه‌های بدنی قرار گرفته‌اند و لذا احساس ناامنی را تجربه می‌کنند؛ یعنی هیچ‌گاه از اعتماد به نفس که یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی

نتیجه‌گیری

مدیریت هوش هیجانی در مدارس یکی از روش‌های مؤثر و مفید در روند رشد روانی و موفقیت‌های اجتماعی در نوجوانان است. دستیابی به این مهم نیازمند آموزش‌های صحیح و کاربردی برای کارکنان آموزشی است تا بتوان به وسیله ایجاد ارتباط مطلوب بین دانش‌آموزان و متخصصان تحصیلی و شناسایی و درمان آسیب‌های حاصله از سرکوب هوش عاطفی، انسان‌هایی با توانمندی‌های بالای عاطفی-هیجانی به جامعه تحویل داد.

* منابع

۱. هوش هیجانی، نویسنده: دانیل گولمن، ترجمه: نسرين پارسا، انتشارات رشد ۱۳۸۹
۲. نانسی. کی. رکر، برگرفته از مقاله هوش هیجانی ترجمه و تالیف: آزاده دلیلیان
۳. هوش هیجانی خود را بسنجید، نویسنده: فیلیپ کارتر، ترجمه: محمود امیری‌نیا و پریسا آقازاده

پازل معلمی

رقیه حسن‌نژاد



✕ کلاسی پویا و پرتحرک ✕

انگیزه و علاقه دانش‌آموزان به گوش دادن را بیشتر می‌کند.

برای ایجاد مشارکت و فعال نگه داشتن کلاس، باید مرتب بچه‌ها را به کار کشید. این کار ساده است. بارها از خودشان شنیدیم که باید آن‌ها را وادار به فعالیت کرد و با جملات روانی نظیر «خوب تا به حال چه چیزهایی گفتیم؟ فکر می‌کنید بعد چه اتفاقی می‌افتد؟ کی می‌تواند سریع‌تر به جواب برسد؟ و... نظیر این پرسش‌ها می‌تواند باعث ایجاد کلاسی کاملاً فعال باشد.

با طرح سؤال، در واقع برای فهم بهتر مطالب انگیزه ایجاد می‌کنیم، و این باعث می‌شود آن‌ها مطالب را بهتر یاد گیرند، اعتمادبه‌نفس پیدا کنند و تسلط روی موارد تدریس شده برای آن‌ها تسهیل شود. در این موارد نتیجه آن چیزی نیست که معلم بیان کرده، بلکه بچه تصور می‌کند نتیجه همان چیزی است که خود به آن‌ها رسیده است. همچنین از تکرار بیش از حد مطالب درسی باید اجتناب کرد، چون باعث خستگی و بی‌حوصلگی کلاس می‌شود. روان‌شناسان معتقدند بیشترین یادگیری در یک سخنرانی حدود ۲۰ دقیقه است و اگر زمان از این بیشتر شود یادگیری در کار نخواهد بود.

کنند در یک فرآیند کاملاً برنامه‌ریزی شده قرار گرفته‌اند. کلیه قوانین و مقررات کلاس بین معلم و محصل در طی سال باید در همین جلسه طرح‌ریزی و مشخص شود. صحبت‌هایی از قبیل نحوه تدریس، نحوه برنامه‌ریزی روزانه و همچنین اهمیت انضباط و اخلاق دانش‌آموزان در همین جلسه اول باید مطرح گردد.

در مورد انتخاب نوع انضباط، اینکه از نوع مقتدرانه و بیرونی باشد یا دموکراتیک و با احساس مسئولیت و اینکه کدام مؤثرترند قضاوت و ارزیابی به‌عهده خود شماست.

✕ اهمیت ایجاد انگیزه در جلسه اول ✕

اگر معلم بتواند در جلسه اول اهمیت فراگیری آن علم را به دانش‌آموزان کلاس، به‌ویژه در دوره متوسطه، تفهیم کند جلسات بعدی به مراتب بسیار بهتر و ارزنده‌تر می‌شود و کلاس از معلم‌محوری به سوی شاگرد‌محوری حرکت کرده و تبدیل به کلاس پویا و مشارکتی می‌شود.

روش تدریس فوق از دیدگاه دانش‌آموزان؛

بیشتر دانش‌آموزان کلاسی که معلم‌محور است را قبول ندارند. در چنین کلاس‌هایی سازگاری دانش‌آموزان به شکل‌های مختلفی بروز می‌کند، از جمله اینکه گاهی دانش‌آموزان ممتاز نیز در آن شریک‌اند.

در صحبت‌هایی که دانش‌آموزان داشتیم دریافتیم که روی حل تمرین اضافی تأکید دارند و دوست دارند که درس با مثال‌های کاربردی و دلنشین و مسائل روزمره همراه باشد. بیان قصه‌وار مطالب در کلاس، ایجاد

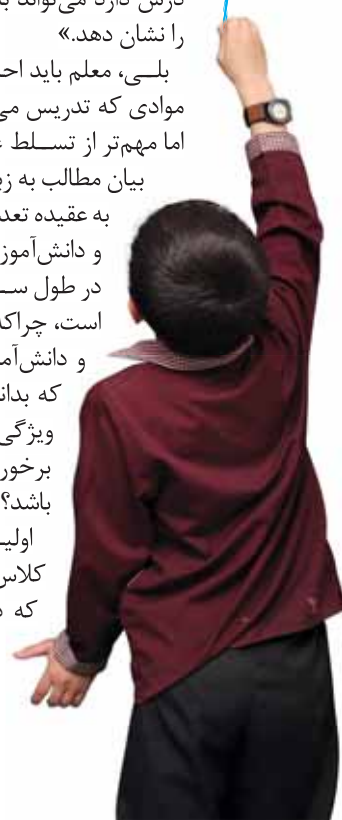
تمام دبیران، چه آن‌ها که در آغاز راه‌اند و چه آن‌ها که سال‌های آخر تدریس را سپری می‌کنند، به این می‌اندیشند که چگونه می‌توان درس را به بهترین روش ارائه داد؟

در گروهی از همکاران سال اولی و حتی بالاتر، صحبت کردن در مورد این موضوع با نوعی اضطراب خاص ظاهر می‌شود؛ و اگر آنان این اضطراب را به هنگام تدریس بروز دهند یعنی در اولین پله شکست خورده‌اند.

دانش‌آموزان دبیرستانی که تجربه‌ای چندین ساله در شناخت رفتارهای معلمان خود دارند از نخستین روز مدرسه و برخورد با معلم، کوچک‌ترین رفتار او را زیر ذره‌بین تیزبین خود برده و با حرکت چشم و ابرو به یکدیگر منتقل می‌کنند. از صحبت خود با دانش‌آموزان دریافته‌ام که از نظر آنان، «معلمی که تسلط کامل بر درس دارد می‌تواند به هنگام تدریس آن را نشان دهد.»

بلی، معلم باید احاطه علمی به کلیه مواردی که تدریس می‌کند داشته باشد، اما مهم‌تر از تسلط علمی، قدرت او در بیان مطالب به زبان فراگیران است. به عقیده تعداد زیادی از همکاران و دانش‌آموزان، مهم‌ترین جلسه در طول سال همان جلسه اول است، چراکه هر دو طرف، معلم و دانش‌آموز، در پی آن‌اند که بدانند طرف مقابل چه ویژگی‌هایی دارد و اولین برخوردشان باید چگونه باشد؟

اولین برخورد معلم در کلاس باید به نحوی باشد که دانش‌آموزان حس



✕ برخورد عاطفی ✕

بحث روی نحوه برخورد، معلم و اخلاق او بیشترین موردی بود که دانش‌آموزان پایه‌های مختلف به آن می‌پرداختند. تجربه‌های بسیار نیز نشان می‌دهند معلمینی که روابط عاطفی خوبی با بچه‌ها دارند، مثلاً آن‌ها را با اسم کوچک صدا می‌کنند یا درس را با یک مطلب جالب و خواندنی شروع می‌کند، بسیار موفق‌تر از دبیرانی هستند که با روحیه‌ای نامناسب و یکنواخت وارد کلاس می‌شوند و همین نمایانگر شناخت روحیه دانش‌آموزان در فهماندن درس می‌باشد.

✕ روش‌های تشویق و تنبیه ✕

یکی از روان‌شناسان می‌گوید به هر کس «اظهار اطمینان» کنید سعی خواهد کرد خود را لایق آن سازد. برای تنبیه دانش‌آموزان نیاز به راهکارهای پیچیده نیست. خود بچه‌ها معتقدند معلمینی که روحیه آن‌ها را درک می‌کند، با صحبت‌های موردی با افراد کلاس و نشان دادن اهمیت به شخصیت آن‌ها و تقویت اعتمادبه‌نفس، باعث ایجاد علاقه در آن‌ها می‌شوند. به فرمایش امام علی(ع) الناس عبيد الاحسان، یعنی مردم بنده احسان و محبت‌اند.

در مورد روش تنبیه، برخی از همکاران اعتقاد به برخورد تند در اولین جلسه دارند از قبیل پاره کردن دفتر، اخراج از کلاس، ایستادن دانش‌آموز کنار سطل زباله کلاس و... اما به گفته خود بچه‌ها بهترین روش تنبیه کم‌توجهی معلم به آن‌هاست. مثلاً وقتی تمرین‌ها را می‌بیند با دفتر ما کاری ندارد، سر کلاس به ما نگاه نمی‌کند، برای پرسش ما را صدا نمی‌زند و... در این صورت عذاب‌آورترین لحظات را می‌گذرانیم. برخی دیگر

می‌گویند بهترین تنبیه همان چهره ناراحت معلم است بخصوص زمانی که توأم با جملاتی نظیر از تو توقع نداشتم، بیشتر از این‌ها از تو انتظار داشتم و یا ناامیدم کردی و... همراه باشد. اخراج دانش‌آموز از کلاس بدترین شیوه تنبیه است. چون معلم در همین لحظه اعلام می‌کند که من مقابل تو باختم!

اگر در کلاس به شاگردی برخورد کردیم که به خطا می‌رود باید توجه داشته باشیم که خود وی چنین تصویری راجع به خودش ندارد؛ لذا هرگز نباید او را محکوم کنیم، بلکه باید تلاش کنیم اندیشه او را دریابیم آن گاه می‌توانیم او را اصلاح کنیم بدون آنکه موجب خشم وی گردیم.

برای تغییر احوال شاگردان باید از کوچک‌ترین پیشرفت آنان تمجید کنیم. سعی کنیم کلاس درس را به محلی برای مجادله بیهوده تبدیل نکنیم. فشار و تسلط معلم بر شاگرد هرگز نباید محسوس باشد. بهتر است به شاگردان مجال برای ابتکار و اظهار نظر، حتی اشتباه و نادرست، بدهیم...

از نظر من، ده اصل موفقیت در کلاس‌داری به شرح زیر است:

- ۱ تسلط کامل معلم بر موضوع درس و توانایی تدریس آن؛
- ۲ ایجاد انگیزه در جلسه اول کلاس؛
- ۳ شروع کردن هر کلاس با پرسش از درس‌های قبل؛
- ۴ پرهیز از «معلم‌محور» کردن کلاس، زیرا بچه‌ها آن را دوست ندارند؛
- ۵ القای اعتمادبه‌نفس به بچه‌ها؛
- ۶ کم‌توجهی به دانش‌آموزان خاطی، فقط به منظور تنبیه و نه بیشتر.
- ۷ پرهیز از اخراج دانش‌آموز از کلاس؛ چون نشانه ضعف معلم تلقی می‌شود؛
- ۸ رفتار با دانش‌آموز خاطی بی‌نظم به‌طوری که کلمه «نه» را نتواند به زبان بیاورد؛
- ۹ پرهیز از اینکه کلاس درس به مکانی برای مجادله بیهوده تبدیل شود؛
- ۱۰ استفاده کمتر از «باید» و «نباید»، زیرا هیچ کس تحکم را دوست ندارد.

اسامی برندگان



+ جدول شماره ۳

رمز جدول: تحول یعنی مشارکت

معلمان در تولید برنامه‌ها

۱. رباب اژدري حکم آباد/ تبریز
۲. آيناز حاجی حسنی اصل/ تهران
۳. حسين باقری/ بندر دیر
۴. وحید ملاقاسمی/ شهرستان خوی
۵. صمد نورالهی/ آذرشهر
۶. حیدر علی هاشمی/ شهرستان فراهان
۷. مریم نصرتی/ شهرستان فراهان
۸. مریم فرهادی/ زنجان
۹. مراد شیخعلی/ روستای کوشک بخش
- آباد طشک نیریز
۱۰. امیر اردشیر/ سلماس

در دوره سی و سوم مجله رشد معلم جدولی براساس مطالب هر شماره مجله توسط آقای غلامحسین باغبان ارائه گردید. در هر شماره شاهد استقبال شما همکاران محترم بودیم. براساس قرعه کشی انجام شده، اسامی برندگان هر شماره در اینجا اعلام می گردد و هدیه ای به رسم یادبود برای همکاران محترم به نشانی آن ها ارسال خواهد شد.



+ جدول شماره ۴

رمز جدول: معلم راهنما و راهبر

فرایند یاددهی یادگیری است.

۱. سمیره سعیدی/ آبادان
۲. ناهید قزوینی/ قزوین
۳. عبدالله ایازی/ پارس آباد اردبیل
۴. مهناز ایرانمهر/ دامغان
۵. محمدرضا ملا غلام حسین/ تهران
۶. سید انصار اعلائی/ خلخال
۷. ملیحه یاری/ تهران
۸. اسفندیار نورزاده/ قزوین
۹. مهسا ایزدی/ اصفهان
۱۰. سعید بیگی نیا/ هرسین کرمانشاه



+ جدول شماره ۲

رمز جدول: معلم در تحول

بنیادین در قله قرار دارد.

۱. فرزانه جابلی باویلی/ شهرک چمران تبریز
۲. کبری صفر مکی/ شهرک چمران تبریز
۳. هاجر احمدیان/ تهران
۴. رسول نادری/ کامیاران
۵. سید محمد مهدوی/ گناباد
۶. امیر عباس حسینی/ مشهد
۷. مهرشاد قایدی/ جهرم
۸. سکینه جبرئیلی/ درگز
۹. اشرف نصوحی/ مبارکه اصفهان
۱۰. زاهد محمدیان/ بانه



+ جدول شماره ۱

رمز جدول ۱: مهم ترین محور

تحول نگاه معلم است.

۱. رضا براتی راد/ شیراز
۲. نیلوفر کشاورز/ مرودشت
۳. اعظم جلیل زاده/ مشهد
۴. محمد هادی نیک پی/ تهران
۵. عذرا شیخی مهرآبادی/ استان مرکزی
۶. ساناز حبیب زاده/ بهشهر
۷. علی اکبر/ کرمان/ روستای گلشن انار
۸. فاطمه کمیجانی/ شهرستان کمijan
۹. خدیجه السادات میرجمالی/ تویسرکان
۱۰. شهین حسن زاده/ بانه



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

• رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی

• رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش نسبی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

• وبگاه: www.roshdmag.ir



+ جدول شماره ۷

رمز جدول: معلم در برنامه‌ریزی

درسی تصمیم‌ساز است.

۱. معصومه رسول بز چلوپی / مرکزی
۲. معصومه مختاری / خمینی شهر
۳. آریتا توکل / اصفهان
۴. علی امیدی / شهرک گلزار ابهر
۵. مرضیه فیضی ربانی / گناباد
۶. لیلا قهرمانی / شهرستان شوط
- آذربایجان غربی
۷. زهرا رضایی دلیر / همدان
۸. امرالله کولیوند / همدان
۹. زینب دارایی / ایلام
۱۰. علیرضا کلامی / سرخه سمنان



+ جدول شماره ۵

رمز جدول: معلم طراح

موقعیت‌های آموزشی است.

۱. محمد ابراهیمی مصلح نو / همدان
۲. نیوشا وصالی / کرج
۳. الهام صادقی / اصفهان
۴. محمدرضا مرتضویان / شهرستان کلاله
۵. رضا نجفی / اراک
۶. مهدی یوردخانی / گرمسار
۷. مهدی اکبری / بیرجند
۸. محمد اجدادی / آران بیدگل
۹. داوود ورزش کارودی / خاف
۱۰. زهرا صالح‌زاده / بابل



+ جدول شماره ۸

رمز جدول: معلم سازمان‌دهنده

فرصت‌های تربیتی است.

۱. ذاکر علمی / تبریز
۲. سعید شایگان دوست / شهرستان بوانان فارس
۳. امید طاهری / تبریز
۴. سروره عقیلی / کردکوی گلستان
۵. فهیمه نصیری / قرچک
۶. مرضیه عابدی / درچه اصفهان
۷. مریم درخشانی / مشهد
۸. علی دانش راد / مراغه
۹. برات مقدسی / قوچان
۱۰. مهناز حسینی / خمینی شهر اصفهان



+ جدول شماره ۶

رمز جدول: معلم مربی و اسوه

تربیتی است.

۱. اکبر خلیلی / نایین زنجان
۲. رویا هارونی / تهران
۳. حکیمه اسماعیلی / تهران
۴. علی کرباسی / شهر گرماب خدابنده
۵. مرضیه شهبازی / فلاورجان
۶. طاهره حکیمی / تهران
۷. فرنوش پناهی / خرم‌دره
۸. فاطمه عطاری / بناب
۹. لیلا نقی‌زاده / تهران
۱۰. منظر گل‌زاده / اردبیل

موانع دستیابی!

غلامرضا درگی

مدرس کارگاه آموزشی

گاهی اوقات مهم‌ترین مانع دستیابی ما به خواسته‌هایمان دقیقاً جلوی چشمانمان است. اما به آن بی‌توجهیم؛ شاید هم چون همیشه جلوی چشمانمان است نمی‌بینیمش! اگر از زاویه جدید نگاه کنیم به قول معروف یک شبه می‌توانیم ره صد ساله برویم.

۱. غرور مانع یادگیری

غرور مانع اصلی یادگیری است. شما حتماً این ضرب‌المثل ایرانی را شنیده‌اید که: «پرسیدن عیب نیست، ندانستن عیب است.» اما خودتان قضاوت کنید؛ چند بار به خاطر غرورمان از سؤال کردن طفره رفته‌ایم؟!

اغلب کسانی که در رشته‌های مختلف علمی به پیشرفت رسیده‌اند کسانی بوده‌اند که از پرسیدن نترسیده‌اند.

۲. کم‌رویی مانع پیشرفت

مشک آن است که خود بگوید نه آنکه عطار بگوید. اگر تمام مردم جهان بگویند شما انسان با استعدادی هستید، تا زمانی که این استعداد، یعنی عقاید و افکارتان، در ذهنتان باقی بماند نمی‌توانید پیشرفت کنید.

دیگران با دیدن چهره‌ی موجه و رفتار شما به ارزش‌های شما پی نخواهند برد، بلکه تنها زمانی که لب به سخن بکشاید می‌توانید به پیشرفت دست یابید.

۳. ترس مانع ایستادن

ترس مانع اصلی ثابت قدمی و پایبندی انسان بر اعتقاداتش است. ترس از قضاوت دیگران، ترس از طرد شدن، ترس از عدم موفقیت سبب می‌شود که شما هر چقدر هم به درست بودن چیزی ایمان داشته باشید دست به عمل نزنید.

۴. تخیل مانع واقع‌بینی

انسان بی‌رویا غیر قابل تحمل است، چه برای خودش و چه برای دیگران؛ اما زندگی در تخیلات و توهمات باعث می‌شود ما در دنیایی غیر حقیقی زندگی کنیم و زمانی از خواب غفلت بیدار شویم که خیلی دیر است.

۵. بدبینی مانع شادی

انسان‌های بدبین زندگی را به کام خود و نزدیکانشان تلخ می‌کنند. این جور افراد در بهترین قصرها و زیباترین بناها هم که باشند به دنبال ترک‌های دیوارند.

باور کنید این زندگی برای هیچ‌کس به اندازه خودشان سخت نیست. شما می‌توانید از آن‌ها پرهیز کنید اما خودشان به هیچ‌وجه نمی‌توانند از دست خودشان فرار کنند.

۶. عادت کردن مانع تغییر

عادت مانع تغییر است و باعث می‌شود سال‌های سال در یک مکان، یک زمان، یک موقعیت و شرایط یکسان در جا بنزیم!



دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی

رشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سدره آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۷۷۳۳۳۱۹۲. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

عنوان مجلات در خواستی:

.....

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان:

خیابان:

پلاک:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۳۱۹۲ و ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶

هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال